



Family in the path of social change, a qualitative study of women's extramarital affairs with GT approach, Case Study: (Women of Qazvin)

*Zahra Aghajani Beigi**¹

(Receipt: 2022.12.20- Acceptance: 2023.07.09)

Abstract

The aim of the present study is to identify the reasons and motivations of women in the conceptual model of extramarital relationship and the causes of the collapse of their family structure. The study was conducted with a qualitative approach and grand theory method and data collection technique was semi-structured interview and was conducted with 17 married women in Qazvin who had experience or an extramarital relationship. In order to select the interviewees, we used the targeted sampling method, this sampling requires the use of a sequential sampling type called snowball.-The results showed that women's interpretation and belief in the establishment of transnational relations emerge in areas such as: growth of social relations and change of social values, increase of leisure time and facilitation of new technologies.

Influencing factors in these relationships were sexual diversity, lack of sexual skills and knowledge, revenge, and the justification of extramarital affairs and the absence of a spouse. Individualism, gender bias, spousal indifference, divorce laws, a woman's inferiority in income and lack of awareness in choosing a spouse as interfering conditions, and acting on an extramarital affair lead to cravings, body management, and hesitation in later life. The consequences of such actions and reactions are an increase in hedonism and the normalization of the extramarital affair.

Key Words: extramarital relationship, Social change, hidden relationships, Qazvin city

1. Graduated from the Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran. Iran.

*. corresponding author: zaghajani90@yahoo.com



10.30495/jsec.2023.1947246.1949



خانواده در مسیر تغییرات اجتماعی، مطالعه کیفی روابط فرزاناشویی زنان با رویکرد GT (مورد مطالعه: زنان شهر قزوین)

زهرا آقاجانی بیگی^۱

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹ - پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸)

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی علل تغییرات ساختار خانواده و دلایل ورود زنان در مدل مفهومی رابطه فرزاناشویی است. پژوهش با رویکرد کیفی و روش گراند تئوری انجام شد. تکنیک گردآوری داده‌ها، مصاحبه ساخت نیافته و داده‌های مورد نیاز از مصاحبه با هدفه نفر از زنان ساکن شهر قزوین که تجربه رابطه فرزاناشویی داشتند، جمع‌آوری و انتخاب مصاحبه‌شوندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند که نیازمند استفاده از نمونه‌گیری متوالی به نام گلوله برفی است، انجام شده است؛ در این پژوهش از اعتبار زاویه‌بندی استفاده شده است. بر اساس یافته‌ها، شرایط علی این پژوهش تنوع‌طلبی جنسی، عدم مهارت و دانش جنسی و توجیه رابطه فرزاناشویی و عدم حضور همسر شناسایی شدند. پدیده محوری روابط فرزاناشویی که در زمینه جایگزینی برای رشد روابط اجتماعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، افزایش اوقات فراغت و تسهیل‌گری فن‌آوری‌های نوین پدید آمده است. فردگرایی، دوسویگی جنسیتی، بی‌تفاوتی همسر، فرودستی زن در کسب درآمد به‌عنوان شرایط مداخله‌گر و درنهایت اینکه زنان در این کنش و واکنش‌ها، با اقدام به رابطه فرزاناشویی و با میل به مصرف‌گرایی، مدیریت بدن و تردید داشتن در ادامه زندگی و توجیه این رابطه، پیامدهایی چون افزایش لذت‌گرایی و عادی شدن رابطه فرزاناشویی را خلق کردند.

واژه‌های کلیدی:

رابطه فرزاناشویی، تغییرات اجتماعی، روابط پنهان، شهر قزوین.

۱. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی. تهران. ایران.

* نویسنده مسئول: zaghajani90@yahoo.com

مقدمه

تأثیر تحولات عصر جدید به‌ویژه جهانی‌شدن بر ساختار جامعه خصوصاً زندگی افراد قابل‌انکار نیست؛ با ظهور تغییرات نوین در نظام فرهنگی و اجتماعی جوامع، خانواده نیز که خصلتی تحول‌پذیر و سیال دارد، مانند تمام عناصر اجتماعی در معرض این تغییرات بنیادین قرار گرفته است و با توجه به دگرگونی‌های ایجادشده پدیده‌هایی که پیش‌تر چندان بروز عینی و آشکار نداشتند، امروزه به مسئله اجتماعی تبدیل شده‌اند؛ یکی از این پدیده‌ها، تمایلات و تعاملات جنسی به شیوه مدرن است. مسئله اساسی دنیای امروز، دگرگونی نگرش به رابطه جنسی است که با انقلاب جنسی در چند دهه اخیر به‌عنوان یک مسئله اجتماعی پدیدار شده است؛ ما در عصر حاضر با پدیده تغییر شکل صمیمیت مواجهیم (Giddens, 1992)؛ جنبش‌های برابری‌خواهانه در قلمرو صمیمیت در دهه‌های اخیر نیز نوع دیگری از رابطه هستند که در متأخرترین شکل صورت‌بندی عشق از آن به‌عنوان عشق سیال تعبیر می‌شود و تعهد سخت‌گیرانه و ضرورت پایداری در عشق رمانتیک به زیر سؤال می‌رود (Giddens, 1992).

انسان امروزی طالب آن است که وارد روابطی شود که از آن‌ها لذت ببرد؛ ولی درعین‌حال بتواند در زمان بروز مشکلات و سختی‌ها آن رابطه را ترک کند؛ این ایده 'محصول موقعیت زندگی سیال مدرن است؛ فرهنگ مصرف‌گرایی به روابط انسانی نیز تسری یافته و حتی روابط عاشقانه زوجین را دچار سیالیت و عدم قطعیت کرده است. جامعه فردگرایانه سیال مدرن تعهدات بلندمدت را به امری کمیاب، التزام بلندمدت را به توقعی نادر و وظیفه مساعدت متقابل را به قولی غیرواقع‌بینانه و بی‌ارزش بدل کرده است. در زندگی سیال مدرن هیچ‌گونه پیوند دائمی و پایداری وجود ندارد و هرگونه رابطه‌ای که ما برای مدتی آن را ادامه می‌دهیم باید بسیار سست باشد و تا حد امکان و به‌سادگی با تغییر شرایط این رابطه قابل فسخ باشد (Baumann, 2015).

رابطه فرازناشویی پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که عوامل مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی در بروز آن مؤثرند؛ از این‌رو هر رابطه خارج از چارچوب خانواده که در جامعه اتفاق می‌افتد، پیامد مجموعه‌ای از مسائل و مشکلات است که هم در درون زندگی مشترک زوجین و هم در بیرون از خانه و در سطح اجتماع درهم‌تنیده شده و زمینه‌ای برای تعارض در رابطه زوجین و یا باعث جدایی می‌شوند که مسائل بسیاری در بروز این رفتار دخیل هستند که داشتن نگاه تک‌عاملی در بروز این پدیده نوعی ساده‌انگاری است؛ لذا برای بررسی این پدیده و تبیین جامعه‌شناختی آن در نظر گرفتن همه جوانب ضروری است. آویرام و آمیچای^۱ (۲۰۰۵) معتقدند که روابط فرازناشویی یا

1. Aviram & Amichai

(روابط خارج از چارچوب خانواده) نوعی اخلاق جنسی مدرن مبتنی بر لذت‌جویی و آزادی جنسی است که بر اساس یک تعریف کلی؛ «نقض تعهد رابطه دونفره که به شکل‌گیری درجاتی از صمیمیت عاطفی و فیزیکی با فردی خارج از این رابطه منجر می‌شود»؛ همچنین (پیتمن، ۱۹۹۰) معتقد است که روابط فرازناشویی ضرورتاً یک رابطه جنسی نیست؛ بلکه اساس نوع روابط در پنهان‌کاری است؛ دنیای خیالی که در آن ناسازگاری، مسئولیت‌های روزمرهٔ آزمون واقعیت و تفکر صادقانه جایگاهی ندارد.

آمارهای موجود در زمینه پژوهش‌های فرازناشویی حاکی از افزایش و اهمیت این پدیده است. تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که در جهان به‌طور متوسط ۲۳ درصد مردان و ۱۹ درصد زنان رابطهٔ فرازناشویی داشته‌اند؛ البته تحقیقات اخیر بیانگر این هستند که مردان و زنان سطح یکسانی از رفتارهای فرازناشویی جنسی و عاطفی را نشان می‌دهند (Allen et al., 2005; Butler, 2013).

هنوز آمار دقیقی دربارهٔ شیوع فرازناشویی^۲ در ایران منتشر نشده است؛ اما بعضی تحقیقات به صورت مستقیم و غیرمستقیم اشاره‌هایی به این موضوع کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال بیشترین آمار قتل‌های خانوادگی (حدود ۳۰ درصد)، به زنانی مربوط است که به دلیل رابطه نامشروع و سوءظن، توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند؛ همچنین نتایج تحقیقی که در ۱۵ استان کشور انجام‌گرفته، نشان می‌دهد رابطهٔ فرازناشویی همسر، علت ۶۷ درصد قتل مردان از سوی زنانشان بوده است؛ ۳۳ درصد مردان هم با واکنش در برابر خشونت، حمله ناگهانی و تهدید از سوی همسران خود مواجه بوده‌اند (Fathi, Satar, Javadeyan, & Javadeyan, 2020).

امروزه با توجه به تغییرات صورت گرفته در سبک زندگی و رشد آگاهی در عرصه اجتماعی، شکل خانواده نیز متفاوت شده است؛ زیرا با افزایش سطح تحصیلات زنان و شتاب گرفتن روند نوگرایی و ورود ارزش‌های مدرن مانند برابری خواهی جنسیتی و در نتیجه تغییر ساختار قدرت و دمکراتیک‌تر شدن روابط در خانواده ایرانی و هم‌زمان با توزیع و تسلط منابع قدرت در خانواده، همچون درآمد، شغل، منزلت، نگرش‌های زنان به نقش و جایگاه خود در جامعه و خانواده تغییر یافته و موجب سر برآوردن انتظارات جدیدی شده است؛ به طوری که زندگی خانوادگی با خطراتی گره‌خورده است که استمرار حیات خانوادگی و سلامت خانواده را مختل می‌کند؛ یکی از این خطرهای بی‌وفایی زناشویی است (لوادو و همکاران، ۲۰۱۳)؛ بروز این پدیده علاوه بر بروز آسیب‌های اجتماعی جانبی، منجر به تزلزل نهاد خانواده، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر آن می‌گردد که در صورت عدم شناسایی

1. Pittman, 1990

۲. روابط فرازناشویی شامل برقراری ارتباط جنسی یک فرد متأهل با جنس مخالف، خارج از چهارچوب خانواده (غیر از همسر) است (کاوه، ۱۳۸۳) infidelity

دقیق و اصولی دلایل آن و اتخاذ تصمیم مناسب، شاهد بروز بحران در حوزه خانواده و فروپاشی تدریجی این نهاد سرنوشت‌ساز خواهیم بود؛ لذا با توجه به دید جنسیتی جامعه، زنان نسبت به مردان بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند و مسائل و مشکلات بیشتری دامن‌گیر جامعه آنان می‌شود و از آنجایی که زن در پیشرفت و ارتقای افراد خانواده نقش بسیار مؤثری دارد و توجه به سلامت روح و روان او از مسائل مهم به شمار می‌آید؛ در نتیجه هر موضوعی که به جامعه زنان مربوط می‌شود از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا در صورت آسیب دیدن زنان، خانواده و سپس جامعه نیز آسیب می‌بیند.

با توجه به اهمیت این موضوع هدف پژوهش حاضر تبیین جامعه‌شناختی علل و انگیزه زنان به روابط فرازناشویی و شناسایی جایگاه در مدل مفهومی رابطه فرازناشویی و در نهایت تزلزل ساختار خانواده است. پاسخ به این پرسش ما را می‌تواند در درک انگیزه کنشگران در کنش پیوسته آنها یاری رساند؛ تا در انتها بتوانیم با استفاده از مدل نظری برخاسته از یافته‌ها بسترهای انگیزه زنان از برقراری رابطه فرازناشویی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، همچنین پیامدهای ارتباط ناکارآمد که منجر به تزلزل بنیان خانواده می‌شود را بررسی و ارائه نماییم.

ملاحظات نظری

نظریه گیدنز در زمینه تحول معنا و گستره صمیمیت نشان می‌دهد که برخلاف تصور عمومی علاقه جزء لاینفک زندگی زناشویی نبوده و در بستر عام‌تر جهانی شکل گرفته است؛ به اعتقاد او تغییراتی که در خانواده صورت گرفته و خواهد گرفت، همگام با فرایند دموکراسی حرکت نموده و جریان رایج خانوادگی را به دموکراسی احساسات تغییر داده است؛ به طوری که جنبش‌های برابری خواهانه در قلمرو صمیمیت در دهه‌های اخیر شکل جدیدی از رابطه را رقم‌زده که گیدنز از آن به عشق برابری خواه تعبیر می‌کند و تعهد سخت‌گیرانه و ضرورت پایداری رابطه به زیر سؤال می‌رود (Giddens, 1992).

نظریه مبادله که بر مبادله بین افراد تأکید می‌کند و تعدادی اصول مشترک حول مفاهیم پاداش‌ها، هزینه‌ها و جبران‌کنندگی دارد؛ این نظریه معتقد است رفتار اجتماعی متشکل از یکسری مبادلات است که افراد تلاش می‌کنند تا پاداش‌هایشان را به حداکثر و هزینه‌هایشان را به حداقل برسانند. هنگامی که افراد پاداش‌هایی را از سوی دیگران دریافت می‌کنند خودشان را متعهد به جبران کردن می‌دانند (Sprecher, 1998)؛ بر این اساس در مبادله منابع جنسی از منابع دیگر جنسی و غیرجنسی نیز از قبیل صمیمیت، تعهد، موقعیت اجتماعی یا پول استفاده می‌گردد. افراد بر طبق محاسبه هزینه و پاداش وارد رابطه می‌گردند یا در روابط باقی می‌مانند یا آن را ترک می‌کنند

(Byers, 2005)؛ فمینیست‌ها نیز معتقدند اهمیت روابط خارج از الگوی دونفره به‌عنوان بخشی از مقاومت گسترده زنان در زندگی زناشویی است و بعضی از نویسندگان فمینیست از روابط فرازناشویی دفاع کرده و باز بودن روابط را یک عامل اساسی در مبارزه و مقاومت علیه قراردادهای متعارف روابط دو جنس مخالف تلقی می‌کنند (هوف، ۲۰۱۷: ۸۵۲).

اریک فروم در خصوص عشق و روابط نزدیک این‌گونه بیان می‌کند که هر جوشش علاقه و کشش و محبت به‌طرف مقابل به معنای عشق‌ورزیدن نیست؛ بلکه این احساسات بیشتر مواقع ناشی از تنهایی و کمبود برآورده شدن میل جنسی است که منجر به ایجاد چنین کششی خواهند شد؛ یکی از متداول‌ترین مشکلات جنسی یعنی سردمزاجی زن و ناتوانی روانی - جنسی مرد، نشان می‌دهد که علت واقعی این مشکلات ناآگاهی از روش‌های درست جنسی نیست؛ بلکه علت واقعی منع‌هایی است که عشق را غیرممکن می‌سازد؛ ترس یا تنفر از غیرهمجنس اساس این مشکلات است که موجب می‌شود شخص خودش را کاملاً در اختیار طرف مقابل نگذارد و به شریک جنسی خود در صمیمیت و هم‌آغوشی اعتماد نکند. کسی که از نظر جنسی دچار منع شده است، اگر بتواند خود را از ترس یا تنفر برهاند و در نتیجه در عشق‌ورزیدن توانا شود، مشکلات جنسی وی نیز حل خواهد شد و اگر نتواند، هرچه در روابط جنسی آزموده باشد بی‌حاصل است؛ از دیدگاه او انسان نمی‌تواند از میل جنسی فارغ شود و اگر آن میل، عیب تلقی شود، احساس گناه طبیعی است؛ محدودیتی که به امور جنسی تحمیل می‌شود به احساس گناه می‌انجامد که دستاویزی برای وضع اصول اخلاقی قدرتمند است (اریک فروم، ۱۹۴۷).

با توجه به دیدگاه نظریه بی‌سازمانی، بدیهی است هنگامی که شیرازه خانواده از هم‌پاشیده شود، نمی‌توان در آن تجدیدنظر کرد؛ زیرا هنگامی که فرد آگاهانه یاد می‌گیرد که آرزوهای خود را شناخته و اجرایی کند و آن را اموری صرفاً شخصی بداند نمی‌تواند آن‌ها را فراموش کند و به نگرش‌های نخستین "ما" برگردد؛ طبق این دیدگاه ارزش‌های جدید که در جامعه ما شکل گرفته، ارزش‌های لذت‌گرایانه، جاذبه‌های جنسی نو... سبب بی‌سازمانی خانواده شده‌اند و این بی‌سازمانی سبب شده است که افراد خانواده و معیارهای آن بریده شوند و بیشتر به فردگرایی و خودبینی رو آورند؛ در این حالت فرد به‌راحتی می‌تواند نیاز خود را به‌صورت داشتن روابط خارج از چارچوب ازدواج به عقیده جامعه و خانواده ارجح بداند (کوزر، روزنبرگ، ۱۳۷۸).

نظریه پردازها	خلاصه دیدگاه‌های نظری در رابطه فرزنشویی
زنگنه باومن	باومن معتقد است که جهان مدرن، جهانی است عقلانی شده، محاسبه‌گر و افسون‌زدایی شده که در آن روابط عاطفانه به شکلی سست، موقتی، غیرقابل اعتماد و کالایی شده تعریف می‌شوند و نوعی ناپایداری در عشق، تحت پیامدهای مخرب مدرنیته بر انسان در جامعه کنونی مستولی است. در عصر حاضر زنان و مردان به شدت محتاج ایجاد رابطه‌اند؛ در عین حال از آن هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و این ارتباط همیشگی آن‌ها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی آن‌ها را سلب نماید. فرد تنهای امروز به دنبال پرکردن این خلأ در پی رابطه‌ای است که احساس امنیت و آزادی را توأمان داشته باشد؛ رابطه‌ای که در آن نیاز فرد برآورده شود؛ اما تعهدی جدی به پایدار ماندن این رابطه و پاسخگویی به انتظارات طرف مقابل وجود نداشته باشد.
نظریه بی‌سازمانی خانواده	به اعتقاد طرفداران این نظریه، بی‌سازمانی خانواده معمولاً در اثر نفوذ ارزش‌های جدید روی می‌دهد و موجب ظهور نگرش‌های جدید کم‌ویس متفاوتی می‌شود؛ برخی از این ارزش‌ها عبارتند از: سرچشمه‌های جدید ارضای لذت‌گرایانه، ارزش‌های جدید خودبینانه، نوع جدید (فردگرایانه) سازمان اقتصادی و شکل‌های نو جاذبه جنسی، این تأثیر نه تنها متضمن برخورد بین فرد و دنیای بیرون از او است بلکه وجود برخی نگرش‌ها در شخصیت فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را وادار می‌کند به این ارزش‌های جدید پاسخ دهد؛ یعنی خواست‌های لذت‌گرایانه، میل به شناخت اجتماعی، اشتیاق برای تأمین و پیشرفت اقتصادی و غریزه جنسی، نگرش‌های نو که در اثر ارزش‌های جدید و در روبرویی با ارزش‌های پیشین به وجود آمده‌اند.
آنتونی گیدنز	عشق به شکل عام و نه علاقه زوجین به یکدیگر پدیده ایست که در چند قرن اخیر به وجود آمده است و تمرکز کنش متقابل گرم و صمیمانه در دایره تنگ خانواده هسته‌ای، زمینه‌ساز پیوند خوردن عشق و ازدواج بوده است. به اعتقاد گیدنز تغییراتی که در خانواده صورت گرفته و خواهد گرفت همگام با فرایند دموکراسی حرکت نموده و جریان رایج خانوادگی را به دموکراسی احساسات تغییر داده است. جنبش‌های برابری خواهانه در قلمرو صمیمیت در دهه‌های اخیر نوع دیگری از رابطه را رقم زد، در متأخرترین شکل صورت‌بندی عشق که گیدنز از آن به عشق برابری خواه تعبیر می‌کند، تعهد سخت‌گیرانه و ضرورت پایداری در عشق رمانتیک به زیر سؤال می‌رود.
اریک فروم	یکی از متداول‌ترین مشکلات جنسی یعنی سردمزاجی زن و ناتوانی روانی - جنسی مرد، نشان می‌دهد که علت واقعی این مشکلات ناآگاهی از روش‌های درست جنسی نیست؛ بلکه علت واقعی منع‌هایی است که عشق را غیرممکن می‌سازد، ترس یا تنفر از غیرهمجنس اساس این مشکلات است که موجب می‌شود شخص خودش را کاملاً در اختیار طرف مقابل نگذارد، بی‌پیرایه عمل نکند و به شریک جنسی خود در صمیمیت و هم‌آغوشی اعتماد نکند. کسی که از نظر جنسی دچار منع شده است، اگر بتواند خود را از ترس یا تنفر برهاند و در نتیجه در عشق‌ورزیدن توانا شود، مشکلات جنسی وی نیز حل خواهد شد و اگر نتواند هرچه در روابط جنسی آزموده باشد بی‌حاصل است.
نظریه مبادله	بر طبق این نظریه که بر مبادله بین افراد تأکید می‌کند و تعدادی اصول مشترک حول مفاهیم پاداش‌ها، هزینه‌ها و جبران‌کنندگی دارد؛ این نظریه معتقد است رفتار اجتماعی متشکل از یکسری مبادلات است که افراد تلاش می‌کنند تا پاداش‌هایشان را به حداکثر و هزینه‌هایشان را به حداقل برسانند. هنگامی که افراد پاداش‌هایی را از سوی دیگران دریافت می‌کنند خودشان را متعهد به جبران کردن می‌دانند؛ بر این اساس در مبادله منابع جنسی از منابع دیگر جنسی و غیرجنسی نیز از قبیل صمیمیت، تعهد، موقعیت اجتماعی یا پول استفاده می‌گردد. افراد بر طبق محاسبه هزینه و پاداش وارد رابطه می‌گردند یا در روابط باقی می‌مانند یا آن را ترک می‌کنند.
فمینیست‌ها	تمایلات جنسی را فرهنگ و جامعه‌پذیری شکل می‌دهند و والدین در فرایند جامعه‌پذیری نقشی سرنوشت‌ساز ایفا می‌کنند؛ به اعتقاد آن‌ها راه‌حل مشکلات زنان را می‌توان در چارچوب ساختارهای اجتماعی موجود یافت؛ دیدگاهی که رادیکال فمینیست‌ها و سوسیالیست فمینیست‌ها آن را نمی‌پذیرند.

با توجه به اهمیت رابطه فرازنشویی علاوه بر تئوری‌های نظری یادشده، تحقیقات متعددی توسط پژوهشگران ایرانی به علل جامعه‌شناختی روابط فرازنشویی و ابعاد مختلف آن از جمله روابط احساسی و عاطفی و مجازی و آسیب‌های مرتبط با آن جلب شده است که به برخی از آنان اشاره می‌شود؛ به‌عنوان مثال نتایج تحقیق احمدی، سرمدی (۱۴۰۰)؛ حاکی از این است که خیانت زنشویی موجب آسیب فردی و اجتماعی و معنوی در زوجین شده و به‌عنوان یک تروما به همه ابعاد وجود انسان آسیب می‌رساند (سرمدی؛ احمدی نوده، ۱۴۰۰)؛ یا در پژوهش بهدوست و شهرداری و حسینیان (۱۴۰۰) نتیجه این شد که زنان خیانت دیده در ازدواج خود عمدتاً از الگوهای ارتباطی ناکارآمدی استفاده می‌کنند و ابراز هیجان مثبت در بین آنان به‌درستی صورت نمی‌گیرد و صمیمیت در ازدواجشان ضعیف است (بهدوست، پورشهرداری، سیما، حسینیان، ۱۴۰۰)؛ همچنین نتایج تحقیق تاج‌بخش، میرزایی و حسینی (۱۳۹۹) نشان داد که ناسازگاری عاطفی و مشکلات رفتاری و فرسایش جنسی علل خیانت و ضعف باورها و اعتقادات مذهبی و نگرش‌ها زمینه‌ساز خیانت و پیامد ناشی از آن فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده به دست آمد (تاج‌بخش، محمدمیرزایی؛ حسینی، ۱۳۹۹). نتایج تحقیق موسوی قهفرخی، سزکار و نعمتی (۱۳۹۹) حاکی از این بود که استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رابطه‌های پنهانی میزان وفاداری و همبستگی اخلاقی کار و زندگی شخصی کارمند را کاهش دهد و در مقابل میزان خیانت زنشویی را افزایش می‌دهد (نعمتی، سزکار؛ موسوی قهفرخی، ۱۳۹۸). صمدی کاشان، پورقناد، زمانی زارچی (۱۳۹۸) در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که خیانت ناشی از علل و انگیزه‌های اجتماعی و روان‌شناختی و یا زیست‌شناختی است که پیامدهای متعددی در سطوح فردی و اجتماعی و عملکردی به دنبال دارد (صمدی کاشان، پورقناد؛ زمانی زارچی، ۱۳۹۸). فیروزجائیان و قدیری (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی، مقوله‌های اصلی تأثیرگذار بر روابط فرازنشویی را، فردگرایی، تأثیرپذیری از دوستان، مشکلات اقتصادی، رسانه‌ها و ضعف مذهبی دانستند (فیروزجائیان؛ قدیری، ۱۳۹۶).

استفاده نامناسب از رسانه‌های جمعی (ماهواره، رسانه‌های مجازی)، ضعف اعتقادات مذهبی، عدم حمایت اجتماعی همسر یکی از عوامل اجتماعی مؤثر بر خیانت زنان متأهل می‌باشد. سیدعلی تبار (۱۳۹۴) در پژوهش خود عنوان کرد که جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی در کاربران فیس‌بوک و شبکه‌های مجازی به‌طور معناداری بیش از غیرکاربران است و شبکه‌های اجتماعی پیامدهای منفی و مثبت بسیاری دارند که در واقع نوع استفاده از آن مهم است (سیدعلی تبار، پوراوری، حبیبی و عسگرآباد؛ محمد علی پور، ۱۳۹۴).

همچنین یافته‌های تحقیق، لاری اف دی روز، بایرون آر جانسون، وندی وانگ و آندرس سالازار-آرنو^۱ (۲۰۲۱) نشان داد زوج‌های با دین‌داری اسمی یا نابرابر (زوج‌های مذهبی کمتر) نسبت به زوج‌های بسیار مذهبی یا زوج‌هایی که در آن‌ها هیچ‌یک از همسران دین‌داری زیادی از خود نشان ندادند (زوج‌های کم دین‌دارتر) نرخ بیشتری از خیانت داشتند (DeRose, Johnson, Wang, & Salazar-Arango, 2021).

در تحقیق دیگری منلائوس آپولو، آنا آریستیدو، کریستینا اراسیده^۲ (۲۰۱۹) به این نتایج دست یافتند که اعمال شدیدتر خیانت با ناراحتی عاطفی و حسادت بیشتر و احتمال بخشش کمتر در ارتباط است؛ علاوه بر این، زنان بیش از مردان به آشفتگی عاطفی و حسادت اشاره می‌کردند؛ اما احتمال بیشتری وجود داشت که شریک زندگی خود را ببخشند؛ علاوه بر این، شرکت‌کنندگان در صورتی که در یک رابطه بلندمدت بودند، ناراحتی عاطفی و حسادت بیشتری را نسبت به رابطه در مراحل اولیه نشان دادند (Apostolou, Aristidou, & Eraclide, 2019)؛ همچنین پژوهش کیمبرلی، زد پنتیل، دونالد اچ بوکوم، کریستینا کوپ گوردون، داگلاس ک اشنايدر^۳ (۲۰۱۹) به این نتایج رسیدند که ۲۵ درصد از مردان و ۱۵ درصد از زنان در طول زندگی خود در امور خارج از ازدواج شرکت می‌کنند و زمانی که تعریف از امور جنسی نسبت به احساسی می‌شود نرخ خیانت به ۴۴ درصد مردان و ۲۵ درصد زنان افزایش می‌یابد. نتایج تحقیق پی شرن، ای یام اپالانیز، ای واگنر^۴ (۲۰۱۸)؛ این‌گونه بیان شد که روابط و رفتارهایی به بروز منازعات اخلاقی پیرامون هویت و خویش‌زنانه دامن‌زده و حوزه روابط جنسی را به میدانی برای مانورهای اجتماعی - اقتصادی، عوام‌فریبی رسانه‌ها، راهبردهای زناشویی و ترمدهای شخصی در جامعه فوق صنعتی تبدیل کرده است (Lin, 2012; Scheeren, Apellániz, & Wagner, 2018).

امرز و سامر^۵ (۲۰۱۰) در پژوهشی دریافتند که دو عامل ترس از مجازات و تعهد به‌عنوان (جایگزین نامطلوب)، مانع ورود افراد به روابط فرازناشویی می‌شود (Emmers-Sommer, Warber, & Halford, 2010). نتایج بررسی راسل و کلایتون^۶ (۲۰۱۴) با عنوان بررسی تأثیر شبکه‌های نوین اجتماعی بر خیانت زناشویی نشان داد که شبکه‌های اجتماعی با فراهم کردن زمینۀ عاشقانه با افرادی غیر از همسر

-
1. Laurie F DeRose, Byron R. Johnson, Wendy Wang & Andrés Salazar-Arango
 2. Menelaos Apostolou, Anna Aristidou, Christina Eraclide
 3. Kimberly Z. Pentel, Donald H. Baucom, Kristina Coop Gordon, Douglas K. Snyder
 4. P. Scheeren, IAM Apellániz, A Wagner
 5. Emmers-Sommer
 6. Russell B. Clayton

باعث شروع روابط فرازنشویی شده و در نتیجه منجر به فروپاشی زندگی زناشویی می‌شود (Clayton, 2014).

اکثر تحقیقات انجام شده در ایران در رابطه با روابط فرازنشویی با روش‌های کمی و از طریق پرسش‌نامه‌هایی که محقق بنا به فرضیات خود از قبل آماده کرده است و کمتر به تجارب و انگیزه‌های زنان از دید آن‌ها پرداخته است در روش‌های کمی پژوهشگر با موضع بیرونی به آزمودنی‌ها به‌عنوان ابژه نگاه می‌کند و با پیش‌فرض‌های خود یکسری مفاهیم را اندازه‌گیری می‌کند که جهت حرکت تحقیقات به‌سوی نتایج، گویی از قبل تعیین شده‌اند. لاری ف دی روز، بیرون ر جانسون، وندی وانگ و آندرس سالازار-آرنو (۲۰۲۱) (DeRose et al., 2021) مانند: بن فیلد، مک کیب (۲۰۱۱) (Banfield & McCabe, 2001)، دنارا (۲۰۱۰)، آنامارینو، فابو (۲۰۰۹) (Di Fabio & Apostolou et al., 2019)، فونگ و وونگ تام (۲۰۰۹) (Palazzeschi, 2009)، فونگ و وونگ تام (۲۰۰۹) (Fung, Wong, & Tam, 2009)، خدابخش احمدی، یاسمن سرمدی (۱۴۰۰) (سرمدی، احمدی نوده، ۱۴۰۰)، پریسا بهدوست، مه سیما پور شهریاری، سیمین حسینیان (۱۴۰۰) (بهدوست و همکاران، ۱۴۰۰)، سیده غزاله موسوی قهفرخی؛ سهیل سزکار؛ لیلا نعمتی، (۱۳۹۸) (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۸)، صمدی (۱۳۹۸) (صمدی کاشان و همکاران، ۱۳۹۸)، خرم‌آبادی (۱۳۹۷) (خرم‌آبادی، سپهری، صالحی، بیگدلی، ۱۳۹۷)، یا اینکه در اکثر تحقیقات صورت گرفت در زمینه روابط فرازنشویی عمدتاً به بررسی ابعاد روانی و فردی در بین زوجین پرداخته و کمتر به زمینه‌های جامعه‌شناختی آن اشاره کردند؛ مانند: غفوریان نوروبی (۱۳۹۶) (غفوریان نوروبی؛ قنبری هاشم‌آبادی؛ حسن‌آبادی، ۱۳۹۶)، کرمی، جهانگیر؛ زکی‌ای، علی؛ محمدی، امید؛ حق‌شناس، شریفه زکی‌بی (۱۳۹۴) (کرمی، زکی‌بی محمدی، حق‌شناس، ۱۳۹۴)، سید علی تبار (۱۳۹۴) (سیدعلی تبار و همکاران، ۱۳۹۴)، امینی‌ها (۱۳۹۴) (Aminiha, Farahaksh, & Esmaili, 2015)، کمالی (۱۳۹۷) (کمالی، عامری، خسروی، رضانی، ۱۳۹۷)، کمال‌جو (۱۳۹۵) (کمال‌جو، نریمانی، عطا‌دوخت، ابوالقاسمی، ۱۳۹۵).

لذا با توجه به اینکه جامعه ما جامعه‌ای در حال تحول و در گذر اجتماعی است و تحولات در ساختارهای اجتماعی آن اتفاق می‌افتد، خانواده نیز مانند دیگر نهادهای اجتماعی مورد تغییرات زیادی قرار گرفته از جمله تغییر جایگاه زنان نسبت به گذشته سنتی بوده است؛ زیرا با دگرگونی افکار و باورها، شاهد گسترش خود یا رشد شکوفایی شخصی در زنان امروزی هستیم؛ یکی از راه‌های رشد و شکوفایی شخصی، اشتراک با همسر در کسب تجارب و فعالیت‌ها است؛ زیرا پرداختن به فعالیت‌های

جدید و خلاقانه، منجر به رشد و گسترش خودآگاهی در زنان می‌شوند؛ در صورتی که رابطه‌ای، امکان رشد و شکوفایی شخصی برای زوجین فراهم نکند، فرد ترغیب می‌شود که این نیاز خود را از طریق منابع دیگر نظیر برقراری رابطه با نفر دیگر برآورده سازد؛ همچنین اگر فردی احساس کند که نمی‌تواند همسرش را بخشی از وجود خود نماید، احتمالاً نسبت به عدم پایبندی به همسر آسیب‌پذیرتر شده و اگر رابطه فعلی او در گسترش قابلیت‌ها و توانایی‌هایش، از قابلیت اندکی برخوردار باشد، احتمالاً به منظور جبران این امر، روابط جدیدی برقرار می‌کند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه برای درک بهتر مسائل اجتماعی نیاز به بینش جامعه‌شناختی است؛ زیرا این بینش افراد را در شناخت بهتر و دقیق‌تر امور یاری کرده و افراد را قادر می‌سازد که در ورای مسائل شخصی به ریشه‌های اجتماعی مسائل پی ببرند و زمانی توانایی درک و سرنوشت خود را دارند که خویش را در متن تاریخ و عصر خود گذاشته و از وضع مردم دیگری که در شرایط مشابه قرار دارند آگاهی یابند. این تحقیق بدین جهت اهمیت دارد که به مفهوم فرازناشویی از نظر زنان پرداخته و از تعریف این مفهوم در حوزه‌های متفاوت روان‌شناسی فراتر رفته و مفهوم جامعه‌شناختی فرازناشویی را مدنظر قرار می‌دهد و از آنجایی که در حال حاضر مسائل مربوط به زنان در کشور ما علی‌رغم اینکه سخن‌های زیادی از آن به میان می‌آید، یکی از حوزه‌های فقیر نظری و عملی است که کار مطالعات کیفی چندان در این حیطه صورت نگرفته است؛ از طرف دیگر تفاوت‌های فرهنگی موجود در بین جوامع مختلف ضرورت انجام تحقیقات بومی در این زمینه را پررنگ‌تر می‌نماید؛ لذا برای بررسی این پدیده و تبیین جامعه‌شناختی آن در نظر گرفتن همه جوانب ضروری است؛ لذا به منظور پیشگیری از پیامدهای ارتباطات ناکارآمد و سردرگمی و پریشانی خانواده‌ها، طلاق عاطفی، ازهم‌گسیختگی خانواده‌ها و درنهایت بی‌نظمی اجتماعی باید با شناخت دقیق مسئله و موشکافی تمامی جوانب آن و استفاده از راهکارهای علمی در حل مسئله یاری جست و همچنین بررسی بسترهای افت کیفیت روابط زوجین و نقش آن در بروز پدیده فرازناشویی ضروری است.

روش و ابزار پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است؛ نظریه مبنایی، یک روش کیفی است که می‌کوشد با به‌کارگیری یک سلسله رویه‌های سیستماتیک، نظریه‌ای مبتنی بر استقرا درباره پدیده‌ای ایجاد کند و یافته‌های آن شامل یک تنظیم نظری از

واقعیت تحت بررسی است؛ در این روش نه تنها مفاهیم و رابطه بین آن‌ها ایجاد می‌شوند؛ بلکه به‌طور موقت مورد آزمایش نیز قرار می‌گیرند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵)؛ همچنین تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری نظری و فرایند مقایسه‌ای مداوم و با استفاده از واحدسازی و مقوله‌بندی صورت گرفت (استراس و کوربین، ۱۹۹۸، ترجمه محمدی ۱۳۸۷)؛ در این پژوهش نمونه‌های انتخابی عبارت‌اند از: زنان متأهلی که به رابطه فرازناسویی پرداخته‌اند و ساکن شهر قزوین می‌باشند؛ در نهایت پس از انجام هفده مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد. یافته‌های این تحقیق، طبق مراحل سه‌گانه کدگذاری روش تحقیق زمینه‌ای، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ در مرحله اول یا کدگذاری باز، ۹۰ مفهوم به دست آمده که به لحاظ محتوایی در ۲۷ مقوله عمده دسته‌بندی شدند. در مرحله کدگذاری محوری، پیوند منطقی ۲۷ مقوله اصلی و چگونگی تلاقی آن‌ها با یکدیگر مشخص شد، در مرحله کدگذاری گزینشی مقوله‌های اساسی و مقوله هسته مورد گزینش قرار گرفتند که نتایج به دست آمده در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

هدف اصلی این پژوهش، ارائه مدل نظری و تبیین تئوریک در حوزه رفتارهای فرازناسویی زنان متأهل است؛ بر این اساس، پژوهش حاضر در پی به دست آوردن مدل مفهومی از تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای فرازناسویی زنان متأهل بوده؛ به سخن دیگر کنشگران اجتماعی با درک این مسئله که چگونه شرایط اجتماعی و وضعیت زندگی آن‌ها را در معرض رابطه فرازناسویی قرار داده است و چه عوامل اجتماعی با رابطه فرازناسویی در ارتباط بوده و با چه واقعیت‌های دیگری در زندگی آن‌ها در ارتباط است به محقق در رسیدن به ژرفای ذهنی‌شان در مورد تجربه زیسته کمک خواهند کرد.

مشخصات زنان مورد مطالعه

مدت زندگی مشترک زنان مورد مطالعه بین ۱ تا ۱۰ سال و میانگین سنی زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش، ۳۵ سال می‌باشد. جوان‌ترین زن ۲۷ ساله بوده و مسن‌ترین آن‌ها ۵۳ سال سن داشت. ۷۶ درصد پاسخگویان متأهل و ۲۳ درصد آن‌ها مطلقه یا در حال جدایی بوده‌اند. ۵ درصد پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی بوده، ۱۱ درصد دارای مدرک کارشناسی‌ارشد و ۵ درصد نیز دکترا داشتند. ۳۵ درصد نیز دارای مدرک دیپلم و فوق‌دیپلم بوده‌اند. ۶۴ درصد پاسخگویان شاغل بوده و ۳۵ درصد آن‌ها خانه‌دار بوده‌اند.

اعتبار پژوهش

برای بررسی اعتبار پژوهش فعلی، پژوهشگر در طول مصاحبه سؤالاتی پرسیده تا مطمئن شود چه میزان از برداشت خود از پیام مشارکت‌کننده، با آنچه خود مشارکت‌کننده‌ها نقل می‌کنند،

هماهنگی دارد؟ به عبارت دیگر آیا هر دو درک یکسانی از معانی دارند. بررسی اعتبار پژوهش حین مصاحبه به این دلیل صورت گرفته است که در مورد حساسی مانند رابطه فرزندناشویی، همواره امکان تماس مجدد با مشارکت‌کنندگان وجود ندارد؛ زیرا ممکن است باعث نقض اصول اخلاقی مرتبط با حقوق مشارکت‌کنندگان در پژوهش شود؛ درنهایت در گزارش نهایی کدهایی لحاظ شد که از بیشترین اجماع برخوردار بودند.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ابتدا مفاهیم اولیه از مصاحبه‌ها استخراج شده و سپس آن مفاهیم با روش کدگذاری ذیل مقوله‌های کلی‌تری قرار گرفته شده است. از اسامی مستعار به علت تشابه سنی استفاده شد.

جدول شماره ۱- مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌های زنان

ردیف	مفاهیم	مقولات محوری	۷
۱	فراهم شدن امکان ادامه تحصیل- برقراری ارتباط با همکار- سفرهای کوتاه با دوستان	رشد روابط اجتماعی	شرایط زمینه‌ای
۲	حمایت از فرزندان- تنها و بی‌پناه بودن- عدم اعتماد به شخص سوم	عدم رضایت زن به جدایی	
۳	تعبیر شخصی از دین- کاهش گرایش مذهبی- رواج هنجارهای ممنوع در جامعه	تعارضات معرفتی	
۴	ناتوانی جنسی- سردمزاجی- عدم توافق جنسی- گرایش جنسی انحرافی	فقدان جامعه‌پذیری جنسی	
۵	عدم اختیار در انجام کارهای شخصی- عیب جویی مرد از ظاهر زن- ترس از طرد شدن- خود انگاره منفی به خود	عدم اعتماد به نفس	
۶	بی‌توجهی به پیامدهای کنش برای دیگران- بی‌توجهی به سنت‌ها- نزول ارزش‌های اخلاقی	تغییر ارزش‌های اجتماعی	
۷	اعتقاد به خواندن نماز اول وقت- ختم قرآن در هر سال	عمل به مناسک دینی	
۸	شرکت در دوره‌های دوستانه- سفرهای خارجی با دوستان	افزایش اوقات فراغت	
۹	پیروی از مد در داشتن دوست پسر- احساس ناکامی در تجربه عشق- تمایل به عشق‌های فانتزی	فردگرایی	شرایط مداخله‌ای
۱۰	نارضایتی از جنسیت- بازیچه بودن زن در دنیای امروز- چشم‌پوشی جامعه از عهدشکنی مردان- نداشتن حق انتخاب در زندگی	دوسویگی جنسیتی	

	ضعف اقتدار مرد	۱۱	تحت تأثیر خانواده بودن، مرد و القاء انتظارات آنها - ناتوانی در حل مشکلات مالی، زندگی اشتراکی با خانواده همسر به دلیل بی مسئولیتی مرد
	کیفیت جایگزین‌ها	۱۲	جایگزینی رابطه عاطفی با فردی به جز شوهر - پر شدن خلأهای عاطفی و جنسی زن توسط شخص سوم - جذابیت شخص سوم
	قوانین طلاق	۱۳	حق طلاق با مرد - نگاه بد جامعه به زنان مطلقه - عدم حمایت قانونی از زنان مطلقه
	عدم تعهد اخلاقی	۱۴	تداوم رابطه با پایبندی به سنت‌ها - تداوم رابطه زناشویی با ترحم - عدم حمایت اطرافیان و تداوم فرازناشویی
	خشونت خانوادگی	۱۵	خشونت فیزیکی - خشونت کلامی - خشونت اقتصادی - خشونت جنسی
شرایط علی	انتقام جویی از همسر	۱۶	تلافی خیانت همسر - عدم پشیمانی زن از رابطه فرازناشویی
	عدم ارضاء نیازهای عاطفی	۱۷	عدم عشق و علاقه بین زوجین - سردی روابط زوجین - فقدان بستر صمیمی بین زوجین
	توجیه رابطه فرازناشویی	۱۸	مقصر دانستن مرد - روزمرگی زندگی بعد از ازدواج - مقابله به مثل با همسر - بی تفاوتی زوجین نسبت به هم
	تنوع طلبی جنسی	۱۹	ماجراجویی و کنجکاو - میل به تجربه رابطه با افراد مختلف - زندگی بدون تنوع کنار همسر - افزایش کیفیت جایگزین‌ها
	عدم مهارت و دانش جنسی	۲۰	عدم مهارت و دانش جنسی - تابو بودن صحبت در مورد مسائل زناشویی - دانش کاذب جنسی
	نگرش مردسالاری	۲۱	دیدگاه مردسالارانه در زندگی - داشتن نگاه سنتی به زن
	تسلط گفتمان رضایت جنسی	۲۲	اهمیت رابطه جنسی در ازدواج - اهمیت رضایت جنسی در رابطه
	پدیده	رابطه فرازناشویی	۲۳
تعاملی - فرایندی	تردید در ادامه زندگی	۲۴	دل‌سردی زن از ادامه زندگی - پشیمانی از تولد فرزند - عدم رضایت از ازدواج زود هنگام - پشیمانی از انتخاب همسر
	مدیریت بدن	۲۵	تمایل به جراحی‌های زیبایی - کنترل وزن و رژیم غذایی - تمایل به آراستن خود
	میل به مصرف	۲۶	پیروی از مد - تمایل به نمایش خود - تمایل به شیک‌پوشی

۳۱ ۳۰ ۲۹	نقض روابط متعهدانه	احساس خوشی داشتن-جبران کمبودها-به دست آوردن اعتماد به نفس	۲۷
	عادی شدن رابطه فرازنشویی	تداوم ارتباط بدون استرس-عادی شدن رابطه-جبران آرامش نداشته در زندگی	۲۸
	گسست بنیان خانواده	سردی در روابط زوجین-عدم تمایل به ادامه زندگی- اقدام به طلاق عاطفی و رسمی-بی تفاوتی نسبت به پیامدهای رابطه فرازنشویی	۲۹

بر اساس جدول بالا، مقولات اساسی طبقه‌بندی شده در این پژوهش عبارت است از شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، شرایط علی، پدیده، بعد تعاملی - فرایندی و پیامدها؛ در اینجا هر یک از این مقوله‌ها مورد بحث قرار می‌گیرند.

مقوله‌های مرتبط با شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایط است که در یک‌زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا بستر لازم برای شکل‌گیری پدیده را فراهم کنند تا اشخاص با تعاملات خود به آن‌ها پاسخ دهند. با توجه به اینکه بر اساس نظریه استراس و کوربین (۱۹۹۰) فرایند داستان در انتهای مقوله‌بندی‌ها انجام می‌شود لذا با نظر استاد راهنما و با تکیه بر مصاحبه‌ها مقوله‌ها دسته‌بندی شدند و تا رسیدن به نتیجه نهایی بارها مورد بررسی قرار گرفت (Corbin & Strauss, 1990).

رشد روابط اجتماعی: یکی از دلایل و زمینه‌هایی که موجب می‌شود زنان تمایل به برقراری رابطه فرازنشویی پیدا کنند، افزایش آگاهی اجتماعی زنان می‌باشد که شامل مفاهیمی چون فراهم شدن امکان ادامه تحصیل، برقراری ارتباط با همکار، سفرهای کوتاه با دوستان است؛ هرچند که حضور زنان در جامعه دارای اثرات بسیار مؤثر و مفیدی بوده ولی به‌هرحال هر تغییر و تحول اجتماعی به همراه فواید و محاسنی که دارد آسیب‌های فراوانی نیز به همراه خواهد داشت؛ البته نمی‌توان با قاطعیت گفت که حضور زنان در جامعه باعث بروز روابط خارج از ازدواج می‌شود؛ بلکه منظور این است که نسبت به گذشته شانس و احتمال حضور دو جنس مخالف در محیط‌های اجتماعی بیشتر شده و افراد در روابط کاری خود، خودمانی‌تر شده و به حریم خصوصی هم پا گذاشته و گاهی وابستگی عاطفی ایجاد شده توأم با احساس تعلق توأم با نوعی دوگانگی است؛ یعنی از طرفی توان قطع رابطه را ندارند و از طرف دیگر در برقراری رابطه عاطفی با شخصی به‌جز همسرشان در عذاب و احساس گناه هستند که این خود باعث ایجاد مشکلات و اختلافات زنشویی می‌شود.

حمیده ۳۱ ساله، در حال جدایی، کاردانی، شاغل می‌گوید: «وقتی با دوستانم مسافرت می‌رفتیم باهم حرف می‌زدیم، وقتی می‌دیدم همشون تو رابطه‌شون لذت می‌برن و همسرشون خیلی احساسیه اما من نه، همشون به من می‌گفتن یه فکری واسه خودم بکنم تا از زندگیم لذت ببرم».

عدم رضایت زن به جدایی: این محور با مفاهیمی چون حمایت از فرزندان، تنها و بی‌پناه بودن، عدم اعتماد به شخص سوم می‌باشد. زنان به علل همزیستی احتمالی و نیاز مالی به همسر، نداشتن سرپناه مستقل یا بی‌سرپرست شدن فرزندان، فرار از حرف مردم، همچنین نداشتن حمایت خانواده یا جامعه، مجبور به ادامه زندگی با همسر خود هستند؛ زیرا در این شکل زندگی، آن‌ها در یک سه‌راهی قرار گرفته‌اند که یا باید "بسوزند و بسازند" و یا "طلاق و رهایی" را با تمام هزینه‌هایش برگزینند و یا در ظاهر نمایش ماندن و ساختن بدهند و در باطن "به رابطه خارج از تعهد خانواده" فکر کنند.

فاطمه ۳۷ ساله، متأهل سیکل، خانه‌دار می‌گوید: «بیشتر به خاطر بچه‌هام این زندگی عذاب‌آور رو تحمل می‌کنم؛ نه راه برگشت دارم، نه دل موندن؛ اگه جدا بشم کجا برم؛ سواد زیادی ندارم، کار پیدا کنم و مستقل بشم؛ از طرفی کسی رو ندارم حمایت کنه» (فاطمه ۳۷ ساله، متأهل سیکل، خانه‌دار).

تعارضات معرفتی: تعارضات معرفتی، شامل مفاهیم: تعبیر شخصی از دین، کاهش گرایش مذهبی، رواج هنجارهای ممنوع در جامعه، می‌باشد. این مقوله شامل مقولات سطح اول چون تعبیر شخصی از دین و عمل به مناسک دینی و عبادات می‌باشد؛ علی‌رغم اینکه بعضی از مصاحبه‌کنندگان یکی از عوامل ناسازگاری زناشویی و تمایل به روابط خارج از ازدواج را، عدم پابندی خانواده‌ها به ارزش‌های مذهبی و یا وجود تفاوت‌های ارزشی شدید در نظام باورها و تعبیر شخصی از دین می‌دانستند؛ اما با تناقض در گفتار و کردار خود نشان دادند که با مصلحت‌گرایی فردی راه‌های توجیه رابطه فرازناشویی را برای خودشان سهل کرده‌اند.

سارا ۳۵ ساله، متأهل، خانه‌دار می‌گوید: «من نمازم رو همیشه اول وقت می‌خونم؛ خوندن دعا و قرآن رو حتی تو محل کارم ترک نمی‌کنم؛ به نظر من، این دو کار اصلاً به هم ربطی نداره؛ خدا منو می‌بخشه؛ می‌دونه از دست بی‌محبتی همسرم چقدر سختی کشیدم»؛

فقدان جامعه‌پذیری جنسی: رضایت جنسی یکی از جنبه‌های مهم از رضایت زناشویی است. احساس خوشایندی است که از رفتارهای درون فردی یا تعاملات بین فردی حاصل می‌گردد و نقش مهمی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی و بنیادین رضایت از رابطه دارد روابط رضایتمند و سالم جنسی تأثیر بسزایی در نشاط زن و شوهر، افزایش روابط عاطفی و محبت‌آمیز، حس حمایتگری مرد نسبت به زن و همراهی زن با همسر خود را دارد (جشوقانی، آبادی، جزایری، اعتمادی، ۱۳۹۷).

مهتاب ۲۹ ساله، متأهل، دیپلم، شاغل می‌گوید: «همسرم به‌جز بداخلاقی تو مسائل زناشویی هم خیلی ضعیف بود و غالباً باهم ماه‌ها ارتباط نداشتیم؛ اگر هم داشتیم فقط نیازهای اون به نتیجه می‌رسید نه من؛ هیچ‌وقت ابراز محبت نمی‌کرد؛ اگه کمی رابطه‌مون خوب می‌شد معمولاً خیلی کوتاه بود».

عدم اعتمادبه‌نفس؛ که شامل مفاهیمی چون عدم اختیار در انجام کارهای شخصی، عیب‌جویی مرد از ظاهر زن، ترس از طرد شدن، خودانگاره منفی نسبت به خود می‌باشد.
 زنانی که عزت‌نفس و خودانگاره‌شان در سطح پایینی قرار دارد و دائماً مورد تحقیر و بی‌توجهی همسران خود قرار می‌گیرند، تلاش می‌کنند تا از طریق رفتارهایشان نشان دهند عزت‌نفسشان بالاست و در این زمینه مشکلی ندارند؛ لذا این دسته از اشخاص به دنبال رابطه‌هایی خارج از سیستم خانواده می‌گردند تا زمینه‌ای برای اثبات خود بیابند.

سمیه ۲۷ ساله، متأهل، دیپلم، آرایشگر می‌گوید: «دیگه قدرت تحمل همسرم رو ندارم واقعاً خسته شدم نه شرایط برگشت دارم نه اعتمادبه‌نفسی که بشه جدا شد و یک زندگی مستقل بدون دردسر درست کنم». (سمیه ۲۷ ساله، متأهل، دیپلم، آرایشگر)

تغییر ارزش‌های اجتماعی: زمانی که ارزش‌های اساسی یک جامعه بر لذت‌طلبی، تمتع‌آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی، ماده‌گرایی و ابزارگرایی استوار باشند و انسان‌ها صرفاً به تمتع فردی بیندیشند و فقط مصالح خویش را در نظر آورند و همه‌چیز در چارچوب امور مادی و ملموس خلاصه شود، ارتباطات انسانی نیز از این شرایط تأثیر پذیرفته و صرفاً در راه التذاذ آنی قرار می‌گیرند؛ این نوع روابط بسیار سست و آسیب‌پذیر و شکننده خواهد شد و به‌محض آنکه مصلحت دیگری روی نماید یا بر اثر مرور زمان یا عوامل دیگر رابطه‌ها از درون تهی شده و به بهانه‌های مختلف می‌شکنند.
 هانیه ۳۹ ساله، متأهل، دانشجوی ارشد، شاغل، می‌گوید: «چون اینجا ایرانه کمی سخته؛ اگه کشورهای خارجی بود، زیاد مردم گیر نمی‌دادن و جلب توجه نمی‌کرد؛ امروزها داشتن رابطه، اصلاً بد نیست؛ جامعه عوض شده دیگه».

عمل به مناسک دینی: که شامل مفاهیم: اعتقاد به خواندن نماز اول وقت، تعهد به ارزش اعتقاد و باورهای دینی از بروز آسیب‌های اجتماعی شایع در جامعه از جمله عهدشکنی ممانعت می‌کند (ملازاده و همکاران، ۲۰۰۹).

مهتاب ۲۹ ساله، دیپلم، متأهل، شاغل می‌گوید: «من اعتقادتم خیلی قویه؛ نماز و خوندن قرآن هر روزم ترک نمیشه؛ اما الآن احساس عذاب وجدان عذابم می‌ده؛ از خدا خجالت می‌کشم».

افزایش اوقات فراغت: اوقات فراغت شامل مفاهیم: شرکت در دوره‌های دوستانه، سفرهای داخلی و خارجی با دوستان می‌باشد. امروزه با گذر خانواده از گسترده به هسته‌ای و محدود شدن حجم خانواده، زنان به خاطر داشتن سبک زندگی مدرن، دیگر مثل گذشته، درگیر رفع نیازهای زندگی نیستند؛ خصوصاً زنانی که شاغل نیستند، اوقات فراغت بیشتری داشته و در مدیریت زمان دچار مشکل شده و درک درستی از مفهوم فراغت ندارند و به خاطر نداشتن آموزش صحیح برای پر کردن اوقات تنهایی و بیکاری خود درگیر انحرافات اجتماعی می‌شوند.

آیناز ۳۰ ساله، متأهل، خانه‌دار، دیپلم می‌گوید: «این روزها زن‌ها خیلی وقت زیاد می‌آرن؛ دیگه مثل قدیما نیست؛ وقتی زنی شاغل نباشه، از صبح تا شب یا خوابه یا باید بیرون بگرده و خرید کنه یا تو گوشی وقتشو بگذرونه».

مقوله‌های مرتبط با شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر آن‌هایی هستند که شرایط علی را تخفیف و یا تشدید و یا به نحوی تغییر می‌دهند (استراوس و کوربین، ۲۰۱۲)؛ درواقع این شرایط برخاسته از اوضاع و احوال نامنتظره و اتفاقی هستند که لازم است با عمل/ تعامل به آن‌ها پاسخ داده شود؛ مانند:

فردگرایی، که شامل مفاهیم: پیروی از مد در داشتن دوست‌پسر، احساس ناکامی در تجربه عشق، تمایل به عشق‌های فانتزی می‌باشد. عده‌ای از زنان، علت تمایل به رابطه فرازناشویی را در عدم تجربه عشق‌های دوره جوانی و احساس ناکامی و احساس عقب‌ماندگی در کسب عشق و بدشانسی در انتخاب خود و به‌نوعی شکست فانتزی می‌دانستند؛ لذا برای جبران ازدواج بدون عشق و علاقه و هیجانات دوران گذشته، خواهان درک و تجربه آن هستند.

رؤیا ۴۸ ساله متأهل کارشناسی ارشد، شاغل می‌گوید: «من خیلی یه دنده و لجبازم. دوست دارم هرچی رو که می‌خوام به دست بیارم؛ یه خلأهایی همیشه اذیتم می‌کنه؛ دوست دارم دنیای جوونی رو خوب تجربه کنم و یعنی حقمه که ازش لذت ببرم».

دوسویگی جنسیتی، شامل مفاهیمی مثل نارضایتی از جنسیت، بازیچه بودن زن در دنیای امروز، چشم‌پوشی جامعه از عهدشکنی مردان، نداشتن حق انتخاب در زندگی می‌باشند.

روشنگ، ۵۳ ساله، متأهل، پزشک می‌گوید: «لعنت به هرچی قانون تبعیض جنسیه؛ چرا زن‌ها باید حق انتخاب یا هر کاری رو نداشته باشند؛ ولی مردها هر غلطی بکنند فضا بازه برایشون؛ خب یکی بگه من به‌عنوان یه زن چقدر می‌تونم از زندگی لذت ببرم؛ اسیر که به دنیا نیومدم».

ضعف اقتدار مرد: از مهم‌ترین مفاهیم کلیدی در ارتباط زناشویی مفاهیم قدرت و اقتدار و مردسالاری است. با وجود شکل‌گیری آگاهی‌های اجتماعی و تغییر و تحولات بنیادین در روابط

خانوادگی، مردان به‌عنوان اصلی‌ترین نان‌آور خانواده و تأمین‌کننده نیازهای معیشتی خانواده شناخته می‌شوند. زمانی که مرد از برآورده ساختن نیازهای اولیه خانواده خود ناتوان باشد، روحیه و انرژی لازم برای ابراز عواطف مثبت در خانواده را نیز از دست داده و طی فرایند دیالکتیکی به‌مرورزمان همراه با مشکلات دیگر موجب بروز خلل در کنش‌های متقابل عاطفی بین زوجین شده و دوری عاطفی همسران از یکدیگر را تعمیق می‌بخشد.

سارا، ۳۵ ساله متأهل و خانه‌دار می‌گوید: «بعد ازدواج خیلی سختی‌ها کشیدم؛ چون با خانواده همسرم زندگی می‌کردیم؛ اونا تو خرید لباس و وسایل خونه ما هم نظر می‌دادند؛ یا حتی تو حمام رفتنم هم دخالت می‌کردن که چرا زیاد میرم؛ خودم مقصر بودم که اجازه دخالت به همه داده بودم و چون شوهرم بی‌عرضه بود.

افزایش کیفیت جایگزین‌ها: مقایسه اجتماعی مهم‌ترین عامل پیدایش احساس نارضایتی از وضع موجود و احساس نیاز در انسان است. بر این اساس نظریه وابستگی متقابل مبتنی بر این فرض است: هنگامی که هریک از زوجین با موقعیت جدیدی مواجه می‌شوند که امکان انتخاب دیگری برایشان فراهم می‌شود، این افراد نقاط قوت مثبت و منفی رابطه فعلی خود را بر اساس دو معیار می‌سنجند؛ یکی مقایسه کردن رابطه زناشویی فعلی با انتظارات و تصورات قبلی خود از ازدواج و دوم: مقایسه کردن رابطه زناشویی خود با رابطه‌ای که ممکن است بتواند با دیگری داشته باشد نتیجه‌گیری و برداشتی که فرد از این مقایسه می‌کند با فرایند فرارزناشویی ارتباط بسیار نزدیکی دارد (دوکان و مورگان، ۲۰۰۷؛ به نقل از شعاع کاظمی، ۲۱: ۱۳۹۰).

سمیه ۲۷ ساله، دیپلم، شاغل، متأهل می‌گوید: «من با دوستم تو رابطه خیلی لذت می‌برم؛ انگار تک‌تک سلول‌هام رو می‌شناسه؛ چیزی که همسرم هیچ‌وقت بلد نبود و اصلاً خلأهای عاطفی منو نشناخت و همش درگیر خودش بود؛ خیلی سعی کردم اون رابطه رو رها کنم و به زندگیم دلخوش باشم اما نشد».

قوانین طلاق، این مقوله شامل مفاهیمی مثل حق طلاق با مرد، نگاه بد جامعه به زنان مطلقه، عدم حمایت قانونی از زنان مطلقه می‌باشد. از جمله مسائل مهم در چارچوب زندگی زنان، عدم حمایت قانونی از زنان مطلقه است؛ زیرا زنان در صورت جدایی از همسر با مشکلات بی‌شماری در کنار عدم حمایت اجتماعی، عدم حمایت خانواده و سوءاستفاده‌های مختلف قرار می‌گیرند.

محدثه ۳۲ ساله، خانه‌دار که در حال جدایی است می‌گوید: «من و همسرم اصلاً به‌درد هم نمی‌خوریم؛ خیلی سعی کردم زندگی‌ام بهم نخوره؛ چون طلاق تو ایران خیلی سخته؛ همه به زن نگاه بدی میکنند؛ تازه درآمدی هم ندارم زندگی رو بچرخونم؛ خیلی تلاش کردم بدون جنجال زندگی کنم؛ اما نمیشه. زن‌ها به‌جز تحمل کردن راه دیگه‌ای هم مگه دارن؟»

عدم تعهد اخلاقی: تعهد اخلاقی کارکرد سه جزء است. اول، وظایف نوع رابطه که به ارزش‌های مربوط به اخلاق انحلال انواع خاص روابط اشاره دارد؛ برای مثال ممکن است شخص احساس کند که هر ازدواجی باید تا آخر عمر ادامه یابد: «تا زمانی که مرگ ما را از هم جدا سازد»؛ دوم، ممکن است شخصی نسبت به شخص دیگر نوعی تعهد اخلاقی را احساس کند: «من قول دادم که همسرم تا آخر عمر کنارم باقی بماند و من خواهم ماند»؛ یا: «همسرم واقعاً به من نیاز دارد و منصفانه نیست او را ترک کنم»؛ سوم، ممکن است فرد احساس وظیفه اخلاقی کند که به دلیل سازگاری کلی ارزش‌ها، به رابطه خاصی ادامه می‌دهد (کلی، ۳۰۲، ۱۹۸۳).

پریسا ۳۱ ساله متأهل دیپلم می‌گوید: «وقتی به زندگی برادر همسرم نگاه می‌کردم و با رفتار شوهرم مقایسه‌اش می‌کردم، دیوونه می‌شدم؛ پس سهم من از زندگی چی بود؛ باید منم خوشبخت می‌شدم؛ اون آدم سهم من بود، نه جاریم».

خشونت خانوادگی: که شامل خشونت فیزیکی، کلامی، جنسی و اقتصادی می‌شود. هر نوع عمل خشونت‌آمیزی که بر اختلاف جنسیت مبتنی باشد و به آسیب یا رنج بدنی جنسی یا روانی فرد بینجامد یا احتمال منجر شدن آن به این نوع آسیب‌ها و رنج‌ها وجود داشته باشد؛ مانند تهدید به این‌گونه اعمال زورگویانه یا محروم‌سازی خودسرانه از آزادی در حضور عموم یا زندگی خصوصی (قطعنامه سازمان ملل ۱۰۴/۴۸ دسامبر ۱۹۹۳).

حمیده ۳۱ ساله، متأهل، فوق‌دیپلم، شاغل می‌گوید: «قبلاً فقط رابطه‌مون سرد بود حالا جروبحث و دعوا هم بهش اضافه شد و صدامون بیرون رفت؛ خرجی نمی‌داد واسه خونه؛ تو اون شرایط بد دخترم هم به دنیا اومد؛ انگار هیچکی منتظرش نبود؛ همش جروبحث و کتک‌کاری چند بار تو بارداری کتکم زد؛ بیهوش شدم و بردنم بیمارستان».

بی‌تفاوتی همسر، مفاهیم این مقوله نیز شامل: عدم مشورت با زن در امور زندگی، بی‌تفاوتی نسبت به وجود زن، عدم هماهنگی در تربیت فرزندان، عدم همراهی زن در مهمانی و سفرها می‌باشد. گاهی بی‌وفایی زنان از احساس نادیده گرفته شدن یا بی‌تفاوتی همسر نسبت به وضعیت آنان و مسائل زندگی ناشی می‌شود. زنان نیاز دارند که دوست داشته شوند و مورد تحسین و قدردانی قرار گیرند؛ ابتدا سعی می‌کنند به همسرشان بفهمانند که مشکلی وجود داشته و چیزی آن‌ها را ناراحت کرده است؛ اما شوهر متوجه این اشارات غیرمستقیم نمی‌شود و به همسر خود بی‌اعتنایی می‌کند؛ یا گلایه‌های او را جدی نگرفته و باعث دل‌سردی زن می‌شود؛ لذا زنان به دنبال جبران کمبودهای عاطفی همسر به روابط خارج از چارچوب ازدواج روی آورده و این رفتار را جبرانی برای کمبودهای بی‌مهتری همسر می‌دانند.

سمیه ۲۷ ساله، متأهل، دیپلم، شاغل می‌گوید: «اوایل عاشقانه همو دوست داشتیم؛ خیلی بهش محبت می‌کردم تا کمبود محبت خانواده‌ش جبران بشه؛ اما اون زیاد گرم و عاطفی نیست؛ اصلاً بهم توجه نمیکنه و کلاً بی‌تفاوته؛ وقتی باهاش حرف‌های عاشقانه می‌زنم، می‌بینم اون خوابِ خوابه».

عدم آگاهی در انتخاب همسر: که شامل مفاهیم: توجه به ویژگی‌های ظاهری، ازدواج تحمیلی، ازدواج به روش سنتی می‌باشد.

فرزانه ۲۸ ساله متأهل، دیپلم، خانه‌دار می‌گوید: «اون روزها به تنها چیزی که فکر نمی‌کردم شناخت و تفاهم و درک متقابل بود؛ شوهرم رو همین‌طوری الکی پسندیدم. همش می‌گفتم ازدواج می‌کنم و دغدغه مشکلات خونه پدری رو ندارم؛ اما متأسفانه خونه شوهر خیلی بدتر شد؛ راهی جز تحمل ندارم».

مقوله‌های مرتبط با شرایط علی

شرایط علی یا سبب‌ساز، معمولاً آن دسته رویدادها و وقایع‌اند که بر پدیده اثر می‌گذارند (استراوس و کوربین، ۲۰۱۲)؛ از این‌رو شرایط علی تأثیرگذار بر رابطه فرا زناشویی زنان؛ انتقام‌جویی از همسر: شامل مفاهیمی مثل تلافی خیانت همسر، عدم پشیمانی زن از رابطه فرا زناشویی می‌باشد.

فاطمه ۳۷ ساله، متأهل، سیکل، خانه‌دار می‌گوید: «کم‌کم به گوشم می‌رسید همسرم با خانم‌های مختلف ارتباط داره؛ خیلی برام سخت بود که این‌همه تلاش کنم، اون بی‌تعهد باشه؛ اون زمانی برای دخترها و زن‌ها هزینه می‌کرد که من برای خرجی بچه‌هام خونه همسایه کار می‌کردم. اوایل برام حتی فکر کردن اینکه با کسی جز همسرم هم صحبت بشم، بزرگ‌ترین گناه بود؛ اما وقتی دیدم اون داره هر کاری می‌کنه منم خواستم برای خودم باشم».

عدم ارضاء نیازهای عاطفی، میزان تعامل عاطفی میان زوجین با ارضاء نیاز رفاقت و دوستی از طریق انجام فعالیت‌های مشترک نظیر همراهی در تفریحات و سپری کردن اوقات صمیمانه با یکدیگر و ابراز احساسات عاشقانه به همسر، گفتگو میان زن و شوهر صورت می‌گیرد که این امر موجب حس نزدیکی و صمیمیت در رابطه طرفین می‌شود؛ لذا عدم ارضاء نیازهای عاطفی باعث سردی روابط، افسردگی، ابتلا به بیماری‌های جسمی و روحی، ناامیدی و بی‌انگیزگی و همچنین تهدیدی برای زندگی زناشویی خواهد شد.

رؤیا ۴۸ ساله کارشناسی ارشد، شاغل می‌گوید: «همسرم خیلی مقصره از صبح که میره سرکار و برمی‌گرده فکر نمی‌کنه به‌جز پول ما نیازهای دیگه داریم؛ من خیلی کمبودهای عاطفی دارم که تحملش سخته برام؛ من فقط دنبال آرامش گم‌شده بودم».

تنوع طلبی جنسی: شامل مفاهیم: ماجراجویی و کنجکاوی، میل به تجربه رابطه با افراد مختلف، زندگی بدون تنوع کنار همسر، افزایش کیفیت جایگزین‌ها می‌باشد؛ می‌توان گفت در بعضی موارد نیز به علت نیاز به تجربه، عشق و هیجان زیاد و میل به تجربه کردن رابطه جنسی جدید است. سمیه ۲۷ ساله، متأهل، دیپلم، شاغل می‌گوید: «اوایل فکر می‌کردم صحبت کردن با دوستم دلم رو آروم می‌کنه؛ اما بعدش تو رابطه دیدم، خیلی از زندگی و لذت‌هاش عقب بودم؛ اون بهم آرامش می‌ده؛ دیگه به خودکشی فکر نمی‌کنم؛ واقعاً بدون وجود دوستم زندگی‌ام بی‌هدفه و مسخره‌ست».

عدم مهارت و دانش جنسی: شامل مفاهیم: عدم مهارت و دانش جنسی، تابو بودن مسائل زناشویی، دانش کاذب جنسی می‌باشد؛ و نبود دانش به خود و جنس مخالف، کامل نشدن هویت جنسی (باتلر، ۲۰۱۳).

ملیحه ۳۲ ساله، متأهل، سیکل، شاغل می‌گوید: «چند ماهی نگذشته بود که متوجه بارداریم شدم؛ هنوز اون قدر بزرگ نشده بودم که بتونم مادر بشم؛ درکی از رابطه جنسی قبل اون نداشتم؛ حتی نمی‌دونستم یه زن هم حق داره تو رابطه با همسرش لذت ببره».

نگرش مردسالاری: چنین نگرشی در زندگی دوران تجرد تا حدودی عملی و امکان‌پذیر است؛ ولی در زندگی مشترک به لحاظ پیدایش روابط و مناسبات جدید، سلیقه‌های شخصی زن و شوهر در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرد. وقتی زنان در موقعیت‌های دست‌پایینی قرار بگیرند، به درک صحیحی از موقعیت خود نرسیده و در نتیجه نمی‌توانند راه درستی را انتخاب نمایند و یا حتی واکنش آنان در موقعیت‌های بحرانی نیز به شکل صحیحی صورت نمی‌پذیرد؛ بنابراین عدم توجه به حق زنان در زندگی و نداشتن حق انتخاب در تصمیم‌گیرهای فردی و خانوادگی از دیگر تأثیرات فرهنگ مردسالاری است که تأثیرات بسیار مخربی در روابط زوجین و فروپاشی خانواده خواهد گذاشت.

ملیحه، ۳۲ ساله، متأهل، سیکل و شاغل می‌گوید: «مردها تو خانواده همسرم تصمیم‌گیرنده هستن؛ اصلاً زن‌ها اجازه نظر دادن ندارن؛ چه برسه به مخالفت؛ به‌خاطر این، اجازه نداشتم جلوی ازدواج مجددش با زن برادرش رو بگیرم».

تسلط گفتمان رضایت جنسی: شامل مفاهیمی مثل اهمیت رابطه جنسی در ازدواج و اهمیت رضایت جنسی در رابطه می‌باشد. رضایت جنسی اگر به دلایلی برای یکی از همسران حاصل نگردد، می‌تواند، منبع مهمی برای ناسازگاری و احساس عدم خوشبختی گردد و ناتوانی از آشکارسازی خشم و نفرت یک یا هر دو زوج به قهر کردن، سکوت‌های طولانی و یا نشان دادن ظاهری آرام و مؤدب

اما باطن پرتنش می‌شود. بر اساس نظریه فمینیست‌ها رضایت جنسی برای هر دو طرف رابطه اهمیت دارد و تبلور این بحث در تصویری آرمانی خلاصه می‌شود که ازدواج را نوعی مشارکت جنسی رضایت‌بخش می‌دانند؛ لذا در اینجا بحث بر سر هدف از ازدواج و اهمیت آن در جهت رضایت جنسی است که در قالب گفتمان مطرح شده است.

راجله ۲۷ ساله متأهل، شاغل می‌گوید: «همیشه خودم رو براش جذاب می‌کنم؛ اصلاً توجهی نمی‌کنه؛ می‌گم: من نیاز دارم بهم توجه کنی؛ اما دست خودش نیست؛ خیلی تو رابطه سرده؛ هرچقدر تلاش می‌کنه، نمی‌تونه منو تو رابطه به لذت برسونه؛ چند بار بهش گفتم: بریم پیش پزشک؛ اما گفت: من توانایم همینه که هست».

نگرش مردسالارانه: در زندگی مشترک، به لحاظ پیدایش روابط و مناسبات جدید، سلیقه‌های شخصی زن و شوهر در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرد. وقتی زنان در موقعیت‌های دست‌پایینی قرار بگیرند به درک صحیحی از موقعیت خود نرسیده و در نتیجه نمی‌توانند راه درستی را انتخاب نمایند و یا حتی واکنش آنان در موقعیت‌های بحرانی نیز به شکل صحیحی صورت نمی‌پذیرد؛ بنابراین عدم توجه به حق زنان در زندگی و نداشتن حق انتخاب در تصمیم‌گیری‌های فردی و خانوادگی از دیگر تأثیرات فرهنگ مردسالاری است که تأثیرات بسیار مخربی در روابط زوجین و فروپاشی خانواده خواهد گذاشت.

عاطفه ۳۲ ساله، متأهل، سیکل، شاغل می‌گوید: «مردها تو خانواده همسرم تصمیم‌گیرنده هستن؛ اصلاً زن‌ها اجازه نظر دادن ندارن؛ چه برسه به مخالفت؛ به خاطر این، اجازه نداشتم جلوی ازدواج مجددش با زن برادرش رو بگیرم».

تعامل‌ها (هم‌کنشی‌ها)

راهبردها و کنش‌های عامدانه‌ای که برای حل مسئله صورت می‌گیرند، در واقع شرایط زمینه‌ای، مداخله‌گر و علی‌بستر ایجاد فرایندها و تعاملاتی در خانواده است (استراوس و کوربین، ۲۰۱۲)؛ که عبارت از:

تردید در ادامه زندگی: شامل مفاهیمی مثل، دلسردی زن از ادامه زندگی، پشیمانی از تولد فرزند، عدم رضایت از ازدواج زودهنگام، پشیمانی از انتخاب همسر می‌باشد.

صنم، ۴۷ ساله ابتدایی، در حال جدایی، خانه‌دار می‌گوید: «همسر من نمی‌تونه مهریه بده؛ منم فقط طلاق می‌خوام؛ اون آقا، بچه‌ها رو قبول نمی‌کنه؛ منم به بچه‌هام وابسته‌ام از طرفی میل به ادامه زندگی ندارم؛ نه دل موندن دارم نه پای رفتن».

مدیریت بدن: این مقوله شامل مفاهیمی مثل تمایل به جراحی‌های زیبایی، کنترل وزن و رژیم غذایی، تمایل به آراستن خود می‌باشد. در جامعه مصرف‌گرایانه فردگرا، نیازهای جسمی عمدتاً به خرید کالا و ارائه خدمات وابسته است؛ اما بدن‌ها باید خودشان بازاریابی کنند. داشتن قیافه خوب برای یافتن شغل مناسب و سبک زندگی خوب لازم و ضروری است.

محدثه ۳۲ ساله در حال جدایی، کارشناسی، می‌گوید: «تو خونه پدری نمی‌تونستم به آرزوهام برسم؛ خیلی دوست داشتم جراحی زیبایی کنم؛ اما پدرم یه کارمند ساده بود؛ همیشه دوست داشتم سفرهای خارجی برم؛ برای خودم لباس مارک بخرم؛ متأسفانه تو خونه همسر هم نتونستم به آرزوهام برسم».

میل به مصرف: مفاهیم این مقوله شامل پیروی از مد، تمایل به نمایش خود، تمایل به شیک‌پوشی می‌باشد. میل به مصرف یا تمایل به مصرف‌گرایی، هنگامی است که در جامعه بسیاری از رفتارهای افراد بر اساس ظاهر انجام می‌شود و هسته اعمال اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی، ایده‌ها و هویت‌ها در رابطه با مصرف تعریف می‌شود. همان‌گونه که فمینیسم سوسیالیست بیان می‌کند، نظام سرمایه‌داری غربی نه‌تنها به خالی کردن جیب زنان می‌پردازد، بلکه قدرت و استعدادها بالقوه آن‌ها را می‌زداید و آن‌ها را نسبت به خود بیگانه می‌کند (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

آیناز ۳۰ ساله، متأهل، دیپلم، خانه‌دار می‌گوید: «من خیلی ولخرجم؛ همش دوست دارم خرید کنم و خوش تیپ باشم؛ با مد پیش برم وقتی دوست‌پسرم این کارها رو برام انجام می‌ده؛ دیگه ملکه زمین می‌شم؛ کلاً خرید حال آدمو خوب می‌کنه؛ به خاطر این ملاک خاصی برای انتخاب مهم‌تر از مادیات نداشتم».

توجیه رابطه فرازناشویی: که شامل مفاهیم: مقصر دانستن مرد، روزمرگی زندگی بعد از ازدواج، مقابله‌به‌مثل با همسر، بی‌تفاوتی زوجین نسبت به هم می‌باشد. یکی از راه‌هایی که افراد از طریق آن ناهماهنگی شناختی مرتبط با رابطه فرازناشویی را کاهش می‌دهند، یافتن سازوکاری است که عهدشکنی را برای خودشان مجاز نمایند.

سارا ۳۵ ساله، متأهل، ابتدایی، خانه‌دار می‌گوید: «اون قدر تو مشکلات گیر کردم که دیگه برام فرقی نداره، دارم چی می‌کنم و عواقب رابطه‌ام چی می‌شه؛ من هم حق زندگی خوب رو دارم»؛ این مقوله از علی به استراتژی توجیه‌سازی همان کنش و واکنش تغییر یافت.

پیامدها

بسیاری از رفتارهای انسان پیچیدگی‌های خاص خود را دارد که جز در شرایط خاص خود قابل فهم نیست. در این پژوهش، شناخت بستر و زمینه‌ای که کنش‌ها در آن صورت می‌گیرند و تأثیری که این زمینه بر اعمال افراد به‌جا می‌گذارد با به‌کارگیری روش نظریه بنیانی، امکان شناسایی

پیامدهایی که خود نیز پیامدهای دیگری را به دنبال دارند، فراهم می‌شود؛ پیامدهایی که در آغاز قابل پیش‌بینی نبودند و در طی زمان آشکار می‌گردند. پیامدهای استراتژی‌های به‌کار گرفته‌شده توسط زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش که منجر به رابطه‌ی فرازنشویی و تغییر الگوی خانواده، می‌شود؛ شامل:

عادی شدن رابطه‌ی فرازنشویی؛ شامل مفاهیمی مثل تداوم ارتباط بدون استرس، عادی شدن رابطه، جبران آرامش نداشته در زندگی، می‌باشد.

رویا ۳۵ ساله، متأهل، ابتدایی، خانه‌دار می‌گوید: «آدم وقتی اولین بار گناه می‌کنه خیلی سخته ولی وقتی تکرار پیدا کنه دیگه عادی میشه وقتی یه بار رابطه رو شروع کنی دیگه به انتها و عواقبش فکر نمی‌کنی منم اونقدر درگیرش شده بودم که به چیزی جز اون فکر نمی‌کردم.»

نقض رابطه‌ی متعهدانه، بسیاری از افراد بر این باورند که ادامه دادن روابط جنسی و عاطفی به‌صورت تک‌همسری و وفاداری به همسر، یک عقیده نابخردانه و قدیمی است و گاهی در بعضی موارد علت روابط خارج از تعهد، میل به تجربه رابطه جنسی جدید و ممنوع، هیجان و شور عشق زیاد و تنوع‌طلبی نوین است.

روشنک ۵۳ ساله، پزشک، متأهل، شاغل می‌گوید: «کم‌کم ارتباطم با اون آقا خیلی نزدیک شد؛ حدوداً چند سال ازم کوچک‌تر بود؛ اما خیلی احساساتم رو مثل مردهای باتجربه می‌فهمید؛ بهم خیلی توجه می‌کرد؛ شباً که تا دیروقت مطب بودم، می‌دیدم اومده دنبالم بیرون منتظره؛ شام می‌خوردیم و می‌رفت خونه و...».

گسست بنیان خانواده، سست شدن پایه‌های عاطفی و صمیمیت روابط زوجین و افزایش اختلافات و تعاملات منفی منجر به سرد شدن روابط زنشویی و در نتیجه گسست پیمان خانوادگی شده و در طول زمان موجب طلاق عاطفی و رسمی خواهد شد.

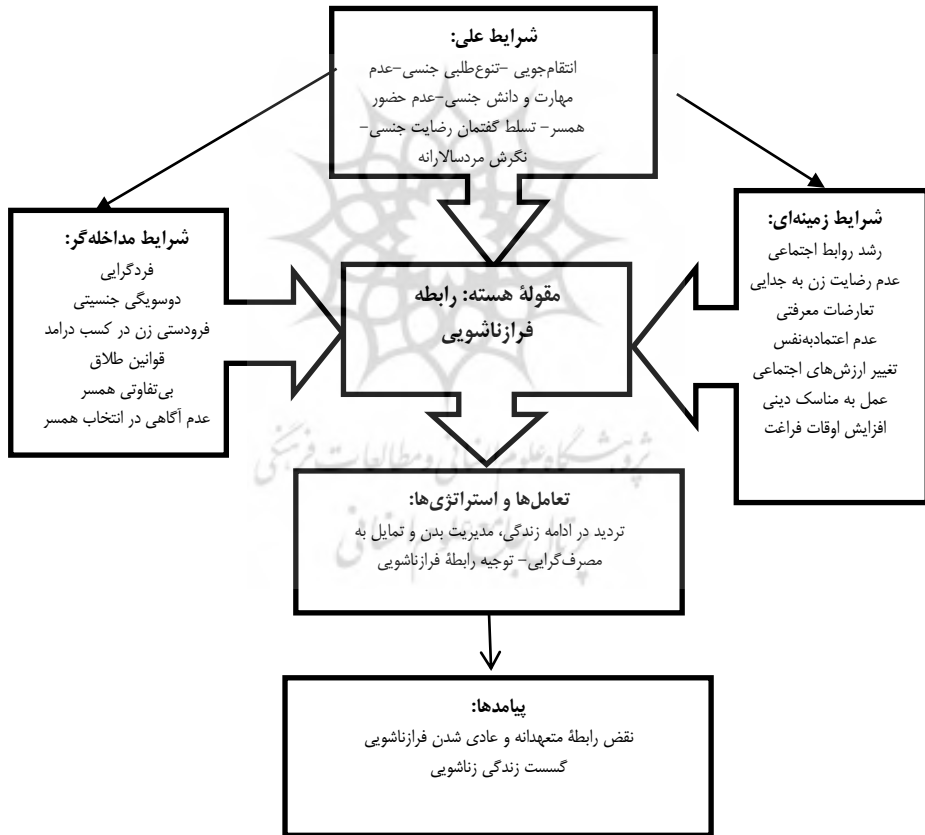
پریسا، کارشناسی، ۳۲ ساله، شاغل و در حال جدایی می‌گوید: «وقتی همسر من و دوستم رو تو خونه دید، دیگه نتونست طاقت بباره و با چاقو به سمت هر دومیون حمله کرد؛ اون فرد فرار کرد و من کمی زخمی شدم؛ بعدش تقاضای طلاق داد؛ به همین راحتی زندگی‌ام از هم پاشید.»

مقوله هسته‌ای: پس از شناخت محورها و مقوله‌های اساسی تغییرات اجتماعی با نگاهی به روابط خارج از چارچوب خانواده در زنان مقوله هسته‌ای تحت عنوان "رابطه‌ی فرازنشویی" که همان برقراری روابط غیرمترعارف امروزی است به دست آمد که در نمودار مدل پارادیمی پژوهش نشان داده شده است؛ این مدل پارادیمی از سه مؤلفه شرایط، تعامل‌ها (فرایندها) و پیامدها تشکیل شده است. امروزه روابط صمیمی بیش‌ازپیش از تعهدات بلندمدت فاصله گرفته و بر مبنای مذاکره و تفاهم شکل می‌گیرد و دوام می‌یابد؛ به‌طوری‌که کیفیت رابطه در هر لحظه از رابطه، توسط طرفین به مذاکره

و مباحثه و مبادله گذاشته می‌شود و زنان به‌خصوص سعی می‌کنند، قربانی تعهدات از پیش معین نمی‌شوند؛ درواقع روابط فرزاناشویی امروزه به‌عنوان مسئله‌ای اساسی برای بازاندیشی زنان نسبت به موقعیت و جایگاه خود در جامعه اهمیت یافته است.

متأسفانه آنچه از متن مصاحبه‌ها دریافت شده نوعی بی‌تعهدی و هرج‌ومرج در روابط زناشویی امروزی به چشم می‌خورد که شاید با فرهنگ بومی و مذهبی ما تفاوت داشته باشد؛ ولی سوغات ارتباطات امروزی است که از غرب آمده و الگوی بسیاری از خانواده در سبک زندگی شده است.

هانیه، ۳۹ ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، می‌گوید: «شاید تو کشور ما این روابط (فرزاناشویی) زشت باشه؛ ولی من اعتقاد دارم، هر انسانی آزاد به دنیا میاد و حق داره آزاد زندگی کنه؛ یه زن محکوم به انتخاب اولش نیست به‌زور تحمل کنه و لذت زندگی رو از دست بده».



شکل شماره ۱: مدل نظریه زمینه‌ای رابطه فرزاناشویی

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه به منظور بررسی جامعه‌شناختی زمینه‌ها و بستر ذهنی زنان در شکل‌گیری روابط فرازنشویی آن‌ها و دلایل فروپاشی ساختار خانواده با مشارکت ۱۷ نفر از زنان شهر قزوین صورت گرفت تا به ارائه یک الگوی مفهومی از عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر و پدیده هسته‌ای و پیامدهای مؤثر در این امر بپردازیم؛ به همین منظور از رویکرد کیفی و استراتژی گراندد تئوری به بررسی این موضوع پرداخته شد.

امروزه تحولات اجتماعی در سطح جهانی در مقایسه با دهه‌های گذشته روابط بین افراد را با تغییرات، چالش‌ها و نیازهای جدیدی مواجه کرده و مفاهیم سنتی و طرز فکر کهن زندگی خصوصی و خانوادگی را در معرض تحولات بسیاری قرار داده است. به عقیده استونز تغییرات اجتماعی در تاروپود زندگی مدرن تنیده شده است که نمایانگر فعال بودن جامعه است؛ لذا با این تغییرات گسترده، خانواده نیز دچار دگرگونی عمیقی شد؛ یکی از این تغییرات چرخش نگاه مردسالارانه به کنش متقابل میان زن و شوهر بود که در واقع مفهوم نقش از قالب سنتی درآمد و به توزیع قدرت در خانواده منجر شد؛ همراه با پدیده جهانی شدن و گسست زنان از پیوند سنتی و با رشد و گسترش تفکر نوین و آگاهی عمومی، آن‌ها دائماً در حال بازاندیشی نگرش خود نسبت به دنیای درون و بیرون خود هستند؛ زیرا با تغییر ارزش‌ها و افزایش فردگرایی نوین، زنان با اعتمادبه‌نفسی فراتر از گذشته در تلاش برای اثبات هویت خود می‌باشند؛ یعنی آن‌ها دریافته‌اند که نگرش‌ها نسبت به زن سنتی تغییر پیدا کرده و آنان دیگر نسبت به گذشته درگیر فشارهای اجتماعی نمی‌باشند؛ زیرا در گذشته آن‌ها در مقابل ناراضی‌ت زناشویی، قانون‌های طرفدار حقوق مردان و در مقابله با ناراضی‌ت شوهر، تحملشان را بالا می‌آوردند و خودشان را وقف امور زندگی و فرزندان خویش می‌کردند؛ اما امروزه با توجه به افزایش آگاهی و اطلاعاتی که از رسانه‌های مختلف کسب کرده‌اند، در جامعه حضوری پررنگ داشته و درصد تغییر تابوهای گذشته برآمده‌اند؛ همچنین با افزایش ارتباطات مجازی، روابط نامتعارف مانند روابط جنسی مجازی در فضای اینترنت و... نشان می‌دهد که روند بازاندیشی افراد در رفتارهای جنسی، شتابی بسیاری گرفته است که گاهی به‌عنوان یکی از عوامل اساسی در کنار سایر علل در بروز اختلاف میان زوجین، سست شدن بنیان زندگی مشترک و گرایش به روابط خارج از چارچوب خانواده در میان زوجین تأثیرگذار است؛ زنان قزوینی نیز مانند دیگر زنان امروزی جامعه، دچار دگرگونی عمیقی در نوع نگرش خود به زندگی زناشویی شده‌اند.

در واقع زنان امروزی به دلایل مختلفی، چون هیجان‌خواهی، افزایش اوقات فراغت نسبت به گذشته، سرد شدن روابط با همسر، توجه نکردن مردان به ظاهر خود، عدم مهارت کلامی با همسر و مشکلات جنسی و یا زمانی که عزت‌نفس و خودانگاره‌شان در سطح پایینی قرار داشته و دائماً مورد

تحقیر و بی‌توجهی همسران خود قرار بگیرند، تلاش می‌کنند تا از طریق رفتارهایشان نشان دهند که عزت‌نفسشان بالاست و در این زمینه مشکلی ندارند؛ پس به دنبال راهی برای به دست آوردن اعتمادبه‌نفس از دست‌رفته و یا اثبات خود و تخلیه روانی می‌باشند. عصر حاضر با نوسازی و مدرن شدن بیشتر جامعه، در حوزه خانواده و روابط عاطفی - جنسی نیز تغییرات شگرفی رخ داده است که زمینه‌ای برای ایجاد اختلال در روابط و نقش‌ها در خانواده شده است؛ به طوری که ارزش‌ها به سمت مصرف‌گرایی، فردگرایی، ارضای شخصی و لذت‌گرایی سوق پیدا می‌کنند؛ این در حالی است که هنوز در بعضی خانواده‌ها باورهای مردسالار حاکم بر جامعه ایرانی، اقتدار را طبیعت مرد می‌داند؛ زیرا نگرش‌های فرهنگی خانواده‌های ایرانی بر اساس تحمل و تبعیت زنان از درخواست‌های شوهر - پدر شکل گرفته است؛ بی‌تردید زن ایرانی نیز نسبت به زنان جوامع دیگر از جایگاه واقعی خود فرسنگ‌ها به دور است؛ زیرا زن بدون نظرخواهی و مشورت همسرش درباره مسائل خانوادگی توانایی تصمیم‌گیری ندارد؛ این در حالی است که آموزه‌های مردسالارانه با تحولات ایجادشده امروزی سنخیت ندارد؛ یعنی مردان همچنان روحیه مردسالارانه خود را حفظ کرده‌اند؛ اما زنان دیگر حاضر به پذیرش آن نیستند (ایران محبوب و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰۰ - ۹۱).

یافته‌های برخی از پژوهش‌های پیشین هریک از جنبه‌ای با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است. یکی از یافته‌های پژوهش (زرندی، ۲۰۱۷) دستاوردهای نوین زنان و تغییر در نقش‌های جنسیتی است که در کنار سایر مقولات می‌تواند موجد رابطه‌ای پایدار و خودخواسته گردد و رابطه اجباری فعلی را قطع نماید؛ که این پژوهش نیز آن را تأیید می‌کند؛ همچنین امروزه با افزایش فردگرایی و لذت‌محوری که در بطن تفکر مدرن وجود دارد، افراد را به این باور می‌رساند که پیش از هر چیز و مهم‌تر از هر چیز، خود انسان و رفع نیازها و جلب لذت‌های اوست که این مسئله تعهد زناشویی را به امری بی‌حاصل کاهش می‌دهد؛ یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر، فردگرایی و حاکم شدن نگرش ذهنیت‌گرا و خودخواهانه افراد و میل به لذت‌گرایی جسمانی و تنوع‌طلبی جنسی - است که با یافته‌های قدیری (۲۰۱۷)، قرائی‌مقدم (۲۰۱۵)، انتظاری (۲۰۱۳)، فتحی (۲۰۱۳)، شیردل (۲۰۰۴) و مطابقت دارد؛ همچنین نگرش دوسویگی جنسیتی بر اساس آنچه در استدلال فمینیسم لیبرال نیز مطرح‌شده، زانی که پایگاه اجتماعی و قدرتی پایین‌تر نسبت به مردان دارند و در نتیجه از امکانات کمتری برخوردارند؛ در حقیقت این موقعیت پایین‌تر، ارزش‌زدایی از ویژگی‌هایی است که با زن بودن همراه است و یا به آن منتسب داشته می‌شود که موجب نارضایتی یا عدم آرامش خواهد شد؛ لذا با توجه به قوانین طلاق و عدم‌حمایت قانونی از زنان مطلقه، فرودستی آنان در کسب درآمد به نسبت مردان، موجب شده که تعدادی از زنان، تأهل را نوعی امتیاز اجتماعی محسوب کرده و در

پوشش زندگی خانوادگی به خواسته‌های خود جامه عمل می‌پوشانند؛ زیرا در صورت جدایی از همسر با مشکلات بی‌شماری در کنار عدم حمایت اجتماعی و عدم حمایت خانواده روبه‌رو خواهند شد. همچنین بسیاری از زنان در پیمان ازدواج، رابطه جنسی را یک وظیفه می‌دانند نه یک حس متقابل؛ به این دلیل سردی در روابط جنسی به‌خصوص از سوی مردان، موجب سردی در پابندی اخلاقی می‌شود. با اینکه عموماً تصور بر تمایل به رابطه خارج از ازدواج برای مردان بیشتر است، لذا با توجه به تحقیقات اخیر به‌ویژه از اواخر دهه هشتاد به بعد در زمینه روابط فرازنشویی توسط محقق، مانند شیردل (۱۳۸۳)، ضیایی و همکاران (۱۳۸۷)، (شاه سیاه و همکاران ۱۳۸۸)، بازرگان (۱۳۸۷) نشان داد که عدم توجه به مسائل عاطفی و نیازهای زنان، منجر به رشد و تمایل به تجربه فرا-زنشویی در زنان شده است؛ یکی دیگر از عوامل رشد آگاهی زنان، تسهیل‌گری فن‌آوری‌های نوین است امروزه یکی از نیازهای اساسی انسان تعامل و ارتباط با دیگران است و تمام انسان‌ها به دنبال یافتن کسانی هستند که لحظات خوشی را با هم سپری کنند؛ عده‌ای از افراد با وجود ازدواج و از دست دادن جذابیت رابطه زنشویی خود به تجربه عشق جدیدی فکر می‌کنند و در تمام لحظات عاشقانه‌ای که با همسر خود دارند فرد موردنظر را جایگزین کرده و در کنش متقابل خود با اشخاص جدیدی درگیر می‌شوند؛ از سویی دیگر، انسان امروزی با حجم انبوهی از تغییرات در سبک زندگی مواجه شده که در اثر رشد فزاینده روابط اجتماعی و فرهنگی، ناهنجاری اجتماعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، در بین خانواده‌ها گسترش پیدا کرده است و منجر به کاهش تعاملات مثبت بین زوجین شده است.

با توجه به اینکه در جوامع فردگرای امروزی هر فردی معیارهای رفتاری فردی خود را جایگزین معیارهای رفتاری جمعی کرده در نتیجه مفهوم رضایت‌مندی به یک مفهوم نسبی تبدیل شده است؛ همچنین هم‌زمان با نوسازی جوامع در حال تغییر، ارزش‌های اساسی به سمت مصرف‌گرایی و میل به مصرف سوق داده می‌شود و زمینه‌های اختلال در روابط و نقش‌ها در خانواده رشد پیدا کرده و ارزش‌ها به سمت فردگرایی و ارضای شخصی و لذت‌گرایی کشیده می‌شوند؛ در این کنش و واکنش با تغییر سبک زندگی، زنان با اقدام به مدیریت بدن، به‌عنوان وسیله‌ای برای تأیید هویت خود و کسب هویت جدید به دنبال جلب توجه و به نمایش گذاشتن تفاوت‌های خود نسبت به دیگران هستند.

در نتیجه زنان با تلاش برای تغییر باور و تفسیر خود نسبت به دنیای زنشویی و استفاده از فرصت‌هایی که حق خود در زندگی می‌دانند با انتخاب رابطه فرازنشویی سعی در توجیه مشکلات و عادی جلوه دادن این رابطه دارند؛ درواقع کسانی که درگیر رابطه فرازنشویی می‌شوند، جهت توجیه رفتار خود و ادامه دادن رابطه، از گستره‌ای از راهبردهای توجیهی که از آن‌ها سلب مسئولیت کند بهره می‌گیرند و از تعدادی توجیه‌کننده‌های نگرشی نظیر استحقاق، بازتعریف و عدم آسیب‌رسانی

استفاده می‌کنند. با توجه به اینکه پژوهش حاضر در پی بررسی نظری علل جامعه‌شناختی دگرذیبی نهاد خانواده، در پرتو روابط فرازناشویی است که در یافته‌های پژوهش‌های مختلف به این مقوله به‌صراحت پرداخته نشده بود. در مجموع نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که روابط فرازناشویی زنان، پدیده‌ای بسیار پیچیده و چندعلتی است که در بروز آن تنها به عوامل فردی و خرد نمی‌توان اکتفا کرد و سطوح مختلف اجتماعی در شکل‌گیری این پدیده تأثیرگذار است. امروزه زنان با تغییر نگرش خود نسبت به گذشته و به دست آوردن پایگاه اجتماعی به‌نوعی ارتقای اجتماعی جدیدی دست‌یافته‌اند که با تعهدات و چارچوب سنتی گذشته در تعارض است، در نتیجه در پی تغییر ارزش‌ها، نگرش‌ها و درنهایت دگرگونی انتظارات و توقعات به‌تدریج ضوابط اخلاقی کم‌رنگ شده و جامعه دچار آنومی و سردرگمی می‌شود؛ در واقع روابط ناسالم زن و مرد در قالب روابط اجتماعی، از جمله مسائلی است که در تضعیف علایق زناشویی و درنهایت، تزلزل بنیان خانواده نقش محوری دارد و در کنار ضعف کنترل درونی و بیرونی افراد و امکان برقراری روابط آزاد، باتوجه‌به وجود محرک‌های قوی و پرجاذبه‌ای که دو جنس به‌طور طبیعی برای ورود به دنیای یکدیگر دارند، در مرحله اول باعث تضعیف علاقه بین همسران و در مراحل بعدی زوال تدریجی موقعیت خانواده و بروز تنش، اختلاف، سوء معاشرت، روابط خارج از تعهد، طلاق و تجدیدفراش‌های مکرر خواهد انجامید که درنهایت شکست ساختار خانواده و درنهایت فروپاشی آن را در بر خواهد داشت و باعث ازهم‌پاشیدگی ساختار خانواده خواهد شد.

منابع

- به دوست، پورشهریاری، مه سیماء، حسینیان (۲۰۲۱)، مقایسه الگوهای ارتباطی، سبک‌های ابراز هیجان و میزان صمیمیت در بین زنان خیانت دیده و عادی، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۱۲(۴۵)، ۱۴-۱.
- تاج بخش، حسینی، محمد میرزایی (۲۰۲۱)، تحلیل داده‌بنیاد فرایند شکل‌گیری خیانت زناشویی، پژوهش‌های جامعه-شناسی معاصر (علمی-پژوهشی)، ۹(۱۷)، ۵۱-۷۲.
- شجاعی جشوقانی ریحانه، احمدی علون آبادی سیداحمد، جزایری رضوان السادات، اعتمادی عذرا (۱۳۹۷)، واکاوی معنایی آسیب‌های برآمده از فضای مجازی در روابط بین زوجین در شهر اصفهان.
- خرم آبادی راضیه، سپهری شاملو زهره، صالحی فدردی جواد، اله بیگدلی ایمان. مدل ساختاری کارکردهای اجرایی و روابط فرازناشویی با بررسی نقش میانجی خودکنترلی، مجله روان‌شناسی شناختی، ۶(۱)، ۴۶-۵۷.
- سرمدی، یاسمن، احمدی نوده، خدابخش. (۲۰۲۱)، انواع آسیب‌های ناشی از خیانت زناشویی در زوجین، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۶(۵۴)، ۴۷-۶۷.
- سیدعلی تبار، سیدهادی، پورآوری، مینو، حبیبی عسگرآباد، محمد علی پور. (۲۰۱۶). مقایسه نگرش به روابط فرازناشویی و جهت‌گیری مذهبی کاربران و غیرکاربران شبکه اجتماعی فیس‌بوک. خانواده پژوهی، ۱۱(۳)، ۳۰۸-۲۹۷.
- صمدی کاشان، پورقناد، زمانی زارچی. (۲۰۱۹). خیانت زناشویی: کاوشی در دیدگاه‌ها، عوامل و پیامدها. نشریه علمی رویش روان‌شناسی، ۸(۴)، ۱۷۶-۱۶۵.
- غفوریان‌نوروزی، پریسا، قنبری‌هاشم‌آبادی، بهرام‌علی، حسن‌آبادی. (۲۰۱۳). مقایسه‌ی اثر بخشی گروه درمانی با رویکرد وجودی و معنوی بر اعتماد، عزت نفس و اضطراب زنان مطلقه. پژوهش‌های مشاوره، ۴۷(۱۲)، ۹۸-۸۲.
- فیروزجائیان، ع. ا. قدیری، ح. (۱۳۹۶)، مطالعه پدیدارشناختی دلایل بی‌وفایی زناشویی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۱(۱)، ۱۴۴-۱۲۰.
- کرمی، جهانگیر، زکی بی، محمدی، امید، حق‌شناس، شریفه. (۲۰۱۵). نقش عوامل روانی و اجتماعی در پیش‌بینی نگرش به روابط خارج از چهارچوب زناشویی در زنان متأهل و ارائه یک مدل بر اساس عوامل مرتبط. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۳(۳)، ۱۵۲-۱۲۹.
- کوزر، لوئیس و برنارد، روزنبرگ (۱۳۷۸)، نظریه‌های زمینه‌ای جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، چ ۴، تهران: نشر نی.
- کمال جو، عطا دوخت، ابوالقاسمی. (۲۰۱۷). پیش‌بینی روابط فرازناشویی بر اساس هوش معنوی، هوش اخلاقی، رضایت زناشویی و استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی با نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۶(۲)، ۳۹-۶۷.
- کمالی سارا، عامری فریده، خسروی زهره، رضانی محمدآرش (۲۰۱۸)، تجربه زیسته زنان از روابط فرازناشویی همسر: یک مطالعه پدیدارشناختی.
- نعمتی، سبزکار، سهیل، موسوی قهفرخی، سیده‌غزاله (۲۰۲۰)، تأثیر توانمندسازی اخلاقی و باورهای اخلاقی در سبک زندگی خانواده‌ها بر کاهش میزان آزاردیدگی هیجانی دانش‌آموزان، پژوهش‌های مدیریت در جهان اسلام، ۳(۲)، ۱۱۸-۱۰۳.

هراتی، حریری، اسفندیاری مقدم. (۲۰۲۰)، شناسایی عوامل مؤثر و تدوین الگوی پیشنهادی برای رفتار برنامه‌ریزی نشده کاربران در استفاده از منابع و خدمات کتابخانه‌های دانشگاهی: مطالعه‌ای ترکیبی، پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۰(۱)، ۸۰-۱۰۲.

- Allen, E. S., Atkins, D. C., Baucom, D. H., Snyder, D. K., Gordon, K. C., & Glass, S. P. (2005). Intrapersonal, interpersonal, and contextual factors in engaging in and responding to extramarital involvement. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 12(2), 101.
- Aminiha, A., Farahakhsh, K., & Esmaili, M. (2015). Qualitative inquiry in couple responses to disclosure of marital infidelity. *Family Counseling and Psychotherapy*, 5(3), 72-92.
- Apostolou, M., Aristidou, A., & Eraclide, C. (2019). Reactions to and Forgiveness of Infidelity: Exploring Severity, Length of Relationship, Sex, and Previous Experience Effects. *Adaptive Human Behavior and Physiology*, 5(4), 317-330.
- Banfield, S., & McCabe, M. P. (2001). Extra relationship involvement among women: Are they different from men? *Archives of sexual behavior*, 30(2), 119-142.
- Baumann, S. (2015). *Fluid love: about the instability of human ties*. Tehran Phoenix Publishing.
- Butler, J. (2013). *Contingent foundations: Feminism and the question of "postmodernism"*: Routledge.
- Byers, E. S. (2005). Relationship satisfaction and sexual satisfaction: A longitudinal study of individuals in long-term relationships. *Journal of sex research*, 42(2), 113-118.
- Clayton, R. B. (2014). The third wheel: The impact of Twitter use on relationship infidelity and divorce. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 17(7), 425-430.
- Corbin, J. M., & Strauss, A. (1990). Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria. *Qualitative sociology*, 13(1), 3-21.

- DeRose, L. F., Johnson, B. R., Wang, W., & Salazar-Arango, A. (2021). Couple Religiosity, Male Headship, Intimate Partner Violence, and Infidelity. *Review of Religious Research*, 1-21.
- Di Fabio, A., & Palazzeschi, L. (2009). Emotional intelligence, personality traits and career decision difficulties. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, 9(2), 135-146.
- Dzara, K. (2010). Assessing the effect of marital sexuality on marital disruption. *Social Science Research*, 39(5), 715-724.
- Emmers-Sommer, T. M., Warber, K., & Halford, J. (2010). Reasons for (non) engagement in infidelity. *Marriage & Family Review*, 46(6-7), 420-444.
- Fathi, M., Satar, P., Javadayan, S. R., & Javadayan, S. R. (2020). Comparing the causes of infidelity in marital relationships among men and women: A qualitative research. *Journal of qualitative Research in Health Sciences*, 5(4), 401-418.
- Fung, C. S., Wong, W. C., & Tam, M. S. (2009). Familial and extramarital relations among truck drivers crossing the Hong Kong-China border. *Journal of sex & marital therapy*, 35(3), 239-244.
- Giddens, A. (1992). *Sexuality, love and eroticism in modern societies*: Cambridge: Polity Press.
- Lin, H. S. (2012). 'Playing Like Men': The Extramarital Experiences of Women in Contemporary Japan. *Ethnos*, 77(3), 321-343.
- Pittman, F. S. (1990). [BOOK REVIEW] Private lies, infidelity and the betrayal of intimacy. *Journal of Marital and Family Therapy*, 16, 326-327.
- Scheeren, P., Apellániz, I. d. A. M. d., & Wagner, A. (2018). Marital infidelity: The experience of men and women. *Trends in Psychology*, 26, 355-369.
- Sprecher, S. (1998). Social exchange theories and sexuality. *Journal of sex research*, 35(1), 32-43.